

## قرآن مترجم زعفرانی مورخ ۵۴۶ هجری در ری؛ کهن‌ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ‌دار و حاوی ترجمه فارسی

مرتضی کریمی‌نیا

### چکیده

این مقاله به معرفی و تحلیل نسخه‌ای از قرآن همراه با ترجمه فارسی می‌پردازد که در ربیع الآخر سال ۵۴۶ هجری به دست ابوالفخر زعفرانی احتمالاً در ری کتابت شده است. در قیاس با سایر آثار مشابه، این نسخه را باید کهن‌ترین قرآن کامل، تاریخ‌دار و مترجم فارسی دانست که اکنون به دست ما رسیده است. این نسخه اکنون در موزه رضا عباسی در تهران نگهداری می‌شود، اما نسخه‌ای دیگر به کتابت همین فرد (مورخ جمادی الاخر سال ۵۴۸ هجری در ری) در کتابخانه سازمان دیانت ترکیه (آنکارا) نگهداری می‌شود که شباهت‌های بسیاری با نسخه تهران دارد. متن قرآن (نسخه تهران) به قلم نسخ کهن کتابت شده و ترجمه آیات با حروف ریز در میان سطرها قرار گرفته است. این ترجمه بر اساس گزینش و ویرایشی از ترجمه فارسی آیات قرآن در تفسیر سوره‌آبادی، تألیف مفسر کزّامی خراسان، ابوبکر محمد بن عتیق نیشابوری (م ۴۹۴ ق) انجام گرفته است. ترجمه فارسی زعفرانی تا حد زیادی لفظ به لفظ، و حاوی بسیاری از واژه‌ها و تعابیر کهن فارسی است که برخی از آنها تنها در تفسیر سوره‌آبادی آمده است. با این همه، ابوالفخر زعفرانی که احتمالاً از خاندان زعفرانی‌های ری بوده است، به سبب تمایلات معتزلی خود و پدرانش، به رونویسی صرف از تفسیر سوره‌آبادی نپرداخته، بلکه واژه‌ها و ساختار فارسی جملات را به اختیار خود تغییر داده، و در برخی مباحث کلامی، دیدگاه معتزلی خود را بر نگرش کزّامی سوره‌آبادی ترجیح داده است. مقاله حاضر با مرور زبان و گویش فارسی در این ترجمه، به جدولی از مهم‌ترین داده‌های کلامی معتزلی، و نیز فهرستی از مهم‌ترین موارد اختلاف قرائت در متن و ترجمه فارسی آیات اشاره می‌کند.

### کلیدواژه‌ها:

ترجمه‌های کهن قرآن؛ تفسیر سوره‌آبادی؛ قرآن زعفرانی؛ موزه رضا عباسی (تهران)؛ ابوالفخر زعفرانی؛ کلام معتزلی؛ کرامیه؛ ری؛ اختلاف قرائت در ترجمه فارسی قرآن.

### مقدمه: پیشینه و اهمیت<sup>۱</sup>

ترجمه‌های فارسی کهن از قرآن کریم، ارزشمندترین اسناد کهن، هم در تاریخ ادبیات قرآنی، و هم در تاریخ زبان فارسی‌اند. در این آثار مهم قرآنی، انبوهی نکته‌های مهم در باب تاریخ کتابت قرآن، رسم، قرائات، خوشنویسی و تذهیب، تاریخ فهم و تفسیر قرآن در ایران کهن، تاریخ اندیشگی، تاریخ فرهنگ و تاریخ اجتماعی می‌توان یافت، اما در صدر تمامی این‌ها باید به اهمیت ترجمه‌های فارسی کهن در فهم و شناخت ما از زبان و ادبیات فارسی (شامل لغات کهن، ریشه‌شناسی، گویش‌های محلی، املا و کتابت واژگان فارسی، و دستور زبان فارسی) اشاره کرد.

از اواخر دهه ۱۳۳۰ شمسی با انتشار ترجمه تفسیر طبری به همت مرحوم حبیب یغمایی، اهمیت و غنای بی‌نظیر ترجمه‌ها و تفاسیر کهن فارسی از قرآن کریم مورد توجه بیشتری قرار گرفت. این امر در کنار توجه برخی استادان چون مجتبی مینوی، احمدعلی رجایی بخارایی، جلال متینی، و بعدها محمد روشن، محمدجعفر یاحقی، علی رواقی، و آذرتاش آذرنوش در تصحیح، انتشار و پژوهش برخی از ترجمه‌ها و تفاسیر کهن فارسی چون ترجمه تفسیر طبری، تفسیر سوراآبادی، تفسیر کمبریج، تفسیر بر عשרی از قرآن، تفسیر قرآن پاک، تفسیر حدادی، و جز آن، غنای بیشتر به تحقیقات زبان فارسی بخشید که ثمره آن افزایش متون فارسی کهن برای محققان و دانشجویان زبان و ادب فارسی در سراسر جهان گردید. در این میان، فضل تقدم و سهم شادروان احمدعلی رجایی بخارائی، استاد فقید دانشگاه فردوسی مشهد بسیار آشکار بود که پس از پی بردن به اهمیت این آثار مهم و مغفول قرآنی در تاریخ زبان و ادب فارسی، با همت بلند خویش کوشید برخی از مهم‌ترین ترجمه‌های کهن فارسی قرآن را از گنجینه عظیم آستان قدس رضوی بیرون آورد و آن‌ها را به جهان علم و پژوهش معرفی کند. تلاش‌های نخستین وی در بازشناسی و معرفی ترجمه‌های کهن فارسی موجود در گنجینه قرآن کتابخانه آستان قدس رضوی سبب توجه بسیاری از پژوهشگران عرصه‌های مختلف دینی و ادبی و تاریخی در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ هجری گردید.

از همین‌رو، تاکنون ده‌ها و بلکه صدها پژوهش در خصوص این متون مختلف

---

۱. بر خود لازم می‌دانم از مدیران محترم پیشین و کنونی موزه رضا عباسی در تهران (آقای فرامرز رنجبر، خانم آفرین امامی، و خانم صدیقه قدرت‌آبادی) و نیز همکاران محترم این موزه، به ویژه سرکار خانم سحر گودرزی، امین اموال آثار خوشنویسی اسلامی که در مدت انجام پژوهش حاضر طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، همکاری خود را از من دریغ نداشتند، کمال تشکر را داشته باشم.

در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های داخل و خارج از ایران درباب تفسیر قرآن و زبان فارسی با تکیه بر این متون مهم ادبی و دینی صورت گرفته است که مهم‌ترین آنها به ترجمه تفسیر طبری (ترجمه رسمی)، ترجمه و تفسیر میبدی (کشف الاسرار)، تفسیر ابوالفتوح رازی، تفسیر سورآبادی، ترجمه قرآن ری، ترجمه قرآن موزه پارس، ترجمه قرآن قدس، و پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی، ترجمه و تفسیر شنقشی، تفسیر قرآن پاک، سوره مانده از قرآن کوفی کهن، تفسیری بر عشری از قرآن مجید، ترجمه و تفسیر حدادی (معانی کتاب الله و تفسیره المنیر)، تفسیر درواجکی، تفسیر بصائر یمینی و... اختصاص یافته است. اما از این نکته نباید غافل شد که همچنان بخش مهمی از نسخه‌های مترجم قرآنی در کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران ناشناخته و دور از منظر تحقیق و پژوهش مانده‌اند که معرفی و احیای هریک از آنها می‌تواند دریچه تازه‌ای بر روی قرآن پژوهان و علاقه‌مندان زبان و ادب فارسی بگشاید.

#### قرآن زعفرانی با ترجمه فارسی

نسخه ش ۵۵۱ در موزه رضا عباسی یکی از مهم‌ترین نسخه‌های قرآنی همراه با ترجمه فارسی از قرن ششم است که تاکنون توجه محققان و نسخه پژوهان را به خود جلب نکرده است. این اثر ارزشمند نسخه کاملی از قرآن کریم همراه با برگردان فارسی است که در سال ۵۴۶ قمری به دست کاتب، ابوالفخر بن ابی‌الفضل الزعفرانی کتابت شده است. در پاییز ۱۳۹۶، هنگام بازدید آثار قرآنی در تالار خوشنویسی موزه رضا عباسی، به صفحات آغازین (یعنی دو لوح آغازین سوره فاتحه و بقره) از این نسخه برخوردیم. پس از جستجو و پیگیری مشخص شد که این برگه‌ها به سبب زیبایی تذهیب در ویتترین قرار گرفته‌اند، اما اصل کامل قرآن از سال‌ها پیش در مخزن موزه نگهداری می‌شود. با مساعدت مدیران وقت موزه، پس از تصویر برداری اولیه از تمام صفحات قرآن، متن فارسی این ترجمه قرآنی را بازنویسی، تصحیح و پژوهش کردم. نوشتار حاضر در واقع مقدمه‌ای است کوتاه در معرفی این اثر مهم ادبی و قرآنی.

قرآن زعفرانی، کهن‌ترین نسخه قرآنی کامل، تاریخ‌دار و حاوی ترجمه فارسی است. سایر نسخه‌ها مانند «پلی میان شعر هجایی و عروضی فارسی» و «سوره مانده از قرآن کوفی کهن» نه تاریخ‌دار، و نه کامل‌اند. قرآن ری (نسخه ش ۶۶۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی)، کتابت سال ۵۵۶ هجری و «قرآن حسن بن علی کوفی» (نسخه ش ۹۶۸۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)، کتابت سال ۵۵۵ هجری، هم متأخر از

زعفرانی‌اند و هم ترجمه قرآنی‌شان مشروح و تفسیری است. قرآن به خط محمد بن اسماعیل بن محمد در آستان قدس رضوی، تاریخ قدیمی‌تر ۵۲۰ هجری را در خود دارد، اما در واقع چند برگ بیشتر از آن، در جزوات قرآنی ش ۴۸۳۰ و ۴۹۱۴ به جای نمانده است. به همین سان، تا میانه قرن ششم هجری، آثار فارسی قرآنی چندی به دست ما رسیده است، اما تمامی این متون (چون نسخه‌های ترجمه تفسیر طبری، سوره‌آبادی، شنقشی، اسفراینی، حدادی، نسفی، ابوالفتح رازی، میبدی، درواجکی، بصائر یمینی و مانند آنها)، آثار تفسیری مشروح به فارسی‌اند، نه یک ترجمه خالص از قرآن کریم. در این میان، قرآن زعفرانی یک ترجمه خالص و کامل از قرآن به فارسی است. ترجمه فارسی در قرآن زعفرانی تنها و تنها به قصد برگردان آیات – و نه شرح و تفسیر آن – در میان سطور قرآنی افزوده شده است.

مترجم پارسی قرآن در این نسخه را به درستی نمی‌شناسیم، اما می‌دانیم که از تفسیر سوره‌آبادی (متوفای ۴۹۴ ق) تأثیر فراوانی یافته است. گفتنی است وی این متن را قریب ۵۰ سال پس از درگذشت سوره‌آبادی نوشته است. دور نیست که مترجم قرآن را کاتب نسخه، یعنی ابوالفخر زعفرانی بدانیم، چرا که در ادامه خواهیم دید وی در هنگام آفرینش این نسخه از قرآن، صرفاً به رونویسی از تفسیر سوره‌آبادی بسنده نمی‌کند. با آنکه وی، به روشنی تفسیر سوره‌آبادی را در پیش چشم داشته، متن ترجمه قرآن در این نسخه، تفاوت‌هایی از حیث نحوی، واژگانی و تفسیری با ترجمه آیات در سوره‌آبادی دارد.

### نسخه‌های موجود از قرآن زعفرانی

تا آنجا که می‌دانیم، از ابوالفخر زعفرانی دو نسخه قرآنی مترجم به فارسی برجای مانده است. نسخه قدیم‌تر به تاریخ کتابت ۵۴۶ هجری اکنون در موزه رضا عباسی (تهران) نگهداری می‌شود و نسخه جدیدتر به تاریخ کتابت ۵۴۸ هجری اکنون در کتابخانه سازمان دیانت ترکیه (آنکارا) محفوظ است.<sup>۱</sup> حجم این دو نسخه تقریباً هم اندازه است و ترجمه‌های فارسی آیات در هر دو نسخه به صورت میان سطری و با قلمی نسبتاً ریز کتابت شده است. تقسیم بندی‌های قرآنی در هر دو نسخه کمابیش مشابه است و علائم سجده، خمس و عشر در حاشیه‌ها به صورتی مشابه رسم شده است.

۱. از دوستان گرامی‌ام محمد تقی حسینی و اکبر ایرانی که با لطف خود، تصاویر نسخه سازمان دیانت ترکیه (آنکارا) را در اختیار من قرار دادند، بسیار سپاسگزارم.

از همه مهم‌تر اینکه، انجامه هر دو نسخه در پایان به صورتی بسیار مشابه کتابت شده است. با این تفاوت که در نسخه آنکارا به محل کتابت نسخه در ری اشاره شده، اما انجامه نسخه تهران خالی از ذکر محل کتابت است، اما با توجه به اطلاعات دیگرمان درباره زعفرانی، باید در حوالی ری انجام یافته باشد.<sup>۱</sup>

نسخه	محل نگهداری و شماره نسخه	تاریخ کتابت	مکان کتابت	نوع خط	تعداد برگ
نسخه تهران	موزه رضا عباسی، ۵۵۱	۵۴۶ قمری	احتمالاً ری	نسخ	۳۲۸ برگ
نسخه آنکارا	کتابخانه سازمان دیانت، ۱۲۴۸	۵۴۸ قمری	ری	محقق	۳۳۴ برگ

چندین تفاوت میان این دو نسخه هست: نخستین تفاوت مهم را در خط قرآن می‌یابیم. نسخه تهران با قلم نسخ کهن نگاشته شده، و نسخه آنکارا با قلم محقق کتابت شده است. دیگر اینکه حروف در خط محقق نسخه آنکارا به هم چسبیده و فضای خالی در میان آنها نیست. به عکس، در نسخه تهران، کلمات قرآنی با فاصله‌ای منظم از هم جدا جدا نوشته شده‌اند. با توجه به کتابت حرفه‌ای قرآن به قلم زعفرانی در این دو نسخه، دور نیست که نمونه‌های دیگری از دستخط و کتابت قرآنی وی در آینده نیز یافت شود.

در نسخه تهران، بسمله همواره به صورتی یکسان و ثابت ترجمه شده است. اما در نسخه آنکارا این امر چندگونه است. همچنین حواشی نسخه تهران، خالی از ذکر اختلاف قرائات مختلف است، اما در نسخه آنکارا، زعفرانی با استفاده از نظام مخفف نویسی برای اسامی قرآء سبعة و عشره، در حاشیه برگه‌ها به جزییات اختلاف قرائات مهم در هر آیه اشاره می‌کند. کاتب در این نسخه همچنین، در حاشیه آغازین هر سوره،

۱. استاد علی اشرف صادقی در یادداشت کوتاه خود در آیین رونمایی از ترجمه زعفرانی (تهران، موزه رضا عباسی، ۹۷/۹/۲۷) اظهار داشته اند: «اگر محل این ترجمه دقیقاً همانجایی نباشد که تفسیر سورابانی در آن ترجمه شده، بسیار نزدیک به آن بوده است، زیرا در این ترجمه کلمه «ترنجبین» به صورت «تلنگوین» به کار رفته، اما در سورابانی به شکل «تلنگبین» آمده است. از آن جایی که سورابان از روستاهای مجاور نیشابور بوده، این ترجمه هم باید در یک نقطه بسیار نزدیک به آن انجام گرفته باشد.» علی اشرف صادقی، «درباره قرآن زعفرانی»، آیین رونمایی و معرفی نسخه «قرآن زعفرانی»، با ترجمه کهن پارسی، بروشور ارائه شده در مراسم رونمایی در موزه رضا عباسی، تهران، ۲۵ آذر ۱۳۹۷، ص ۹.

روایتی منقول در باب فضل قرائت سوره را به فارسی ذکر می‌کند.<sup>۱</sup> مبنای هر دو نسخه قرآنی زعفرانی، کمابیش تفسیر سوراآبادی است. با این همه، زعفرانی در کار خود رونویسی نمی‌کند؛ وی در هریک از نسخه‌های خود، با دخل و تصرف در برگردان فارسی آیات قرآنی از تفسیر سوراآبادی، متنی جدید ارائه می‌دهد. گاه کلمه‌ای فارسی را جایگزین واژه‌ای عربی می‌کند و گاه بالعکس. با آنکه کلیت ترجمه همچنان در سنت تحت اللفظی قدیم و واژه به واژه قرار دارد، در بسیاری مواضع آثار دخالت‌های تفسیری مترجم — با روحیه متکلمانه‌اش — هویدا است. اما باید توجه داشت که به عکس ترجمه‌هایی چون «قرآن ری» (مورخ ۵۵۶ ق) که در آنها، ترجمه از حالت لفظ به لفظ خارج شده، و مترجم جملات بلندی را در متن ترجمه قرآن در قالب شرح و بیان افزوده، در اینجا، زعفرانی مترجم می‌کوشد تا حد ممکن از قاعده لفظ برابر لفظ خارج نشود و تنها به جای برخی واژگان یا تعابیر عربی، معادل‌های تفسیری شان را قرار دهد. آوردن قرآن در برابر «ذکر»، آشکار کردن مرجع برخی ضمائر، و نیز عطف مترادفین نمونه‌هایی از این دست است. این‌ها همه سبب شده است تا ترجمه قرآن زعفرانی نسخه‌ای منحصر به فرد و بسیار باارزش از ترجمه قرآن در زبان فارسی شود که عرضه و انتشار آن، گنجینه‌ای بسیار ارزشمند به محققان قرآن پژوه و دوستداران ادب فارسی تقدیم خواهد کرد.

### نسخه موزه رضا عباسی (تهران)

مبنای کار ما در این تصحیح و در مقاله حاضر، نسخه‌ش ۵۵۱ در موزه رضا عباسی (تهران) است. این نسخه در ۳۲۸ بزرگ در قطع ۵/۳۶\*۲۹ سانتی متر، حاوی ۱۱ سطر قرآن و ۱۱ سطر ترجمه فارسی آیات در میان سطور است. متن آیات قرآنی و ترجمه آن هر دو به خط نسخی کهن کتابت شده‌اند که هر دو از نمونه‌های مهم و نادر در تاریخ کتابت قرآن به خط نسخ به شمار می‌آیند. در مجموع، تنها یک برگ از نسخه موزه رضا عباسی مفقود است که در این مورد، هنگام تصحیح، از نسخه سازمان دیانت ترکیه (آنکارا) بهره گرفته‌ایم. در مقابل، افتادگی‌های نسخه آنکارا، بیش از سی برگه است. خوشبختانه از دو لوح آغازین این قرآن، یکی باقی مانده است که نخستین صفحه نسخه — پیش از آغاز سوره فاتحه — را تشکیل می‌دهد. این صفحه مذهب با نقوش

۱. تفاوت‌های دیگری نیز میان این دو نسخه دیده می‌شود. از جمله آنکه نسخه تهران حاوی واژه‌های فارسی کهن‌تری است، اما در نسخه آنکارا برخی از این واژه‌ها با معادل‌های عربی جایگزین شده‌اند.

گیاهی، هندسی و اسلیمی از دوران سلجوقی است که سابقه آن دست کم به حدود یکصد و پنجاه سال پیش از زمان کتابت نسخه باز می‌گردد. قالب و زمینه این صفحه پر شده از رنگ طلاست، اما در لابلاي آن رنگهای سفید، سبز، قرمز، آبی و مشکی برای نشان دادن انواع گلها و طرح‌های اسلیمی ظهور یافته است. چند کادر مزین شده با نقوش گره‌دار، حاشیه و میانه صفحه را به طبقات مختلف تقسیم کرده‌اند و در میانه این طبقات، بنا به رسمی کهن، افتتاحیه‌ای به خط کوفی بر قرآن نوشته شده است. بخش باقی مانده این کتیبه کوفی که حاوی اطلاعاتی از تعداد حروف و کلمات قرآن است چنین خوانده می‌شود: «و ستمائه و أربع عشر کلمه | و عدد حروفه ثلثمائة | الف و أحد و عشرون | الفا و مائتان و خمسون حرفاً واللّه اعلم.»

به درستی معلوم نیست که نسخه «قرآن زعفرانی» موجود در موزه رضا عباسی از قرن ششم هجری تاکنون چه سرگذشتی داشته است، اما بنا به برخی یادداشت‌های موجود در حواشی نسخه، می‌توان دریافت که در سال ۱۳۳۷ قمری (۱۲۹۷ شمسی)، این نسخه در حوالی کرمان بوده است.<sup>۱</sup> قرآن زعفرانی در دهه ۱۳۵۰ شمسی خریداری شده، و به موزه رضا عباسی راه یافته است. از آن زمان تاکنون، این نسخه و اهمیتش به درستی شناخته نشده بود.

۱. در یکی از این یادداشت‌ها که مقارن با فراگیری ویروس آنفلوآنزای اسپانیولی در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی در مناطق مختلف ایران و جهان نوشته شده، چنین آمده است:

بتاریخ ۳ شهر ربیع الاول ۱۳۳۷ تب عارض شد بهانه زکام، پانزدهم ماه قوس بود [۱۵ آذر ۱۲۹۷] تا شانزدهم شهر فوق از دُرّان هفتاد و سه نفر آدم فوت کردند از ده شیب و باغ بالا هم به همین تب و همین درد بیست نفر فوت کردند. شبی و روزی ۱۰ نفر فوت می‌کردند بقسمی که کفن [و] دفن نمی‌شدند. بعضی‌ها معادل ده یوم در اطاقها بودند درها بسته بود، جمع نمی‌شدند. از ده شیب تا تیکدر و استخروئیه حدود ۱۲۰ نفر فوت کردند به همین تب و درد بتاریخ شهر فوق ۱۳۳۷.

بماند سالها این نزم [نظم] و ترتیب

زما هر زره [ذره] خاک افتاده جایی

غرض نقشی است کز ما باز ماند

که هستی را نه می‌بینم بغائی [بقایی]





122

وَلَا يَزَالُ يُزَخَّرُ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ حَرْمٌ لَكُمْ وَلَذَلِكَ خَلَفَهُمُ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَكَانَ نَفْسُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَبِّئْتُ بِهِ فَوَادِّكَ وَجَّالٌ فِي هَذِهِ الْحُورِ مَوْعِظَةٌ

وعلیه باشند وعلیه باشند علامت که خدای تو مکر از کفر که بخندد تو خدای تو و از هر آن که از ایشان است و سپهرشند و سپهرشند خدای تو که بر تو هم در جنتها از جنتها و در جنتها و در جنتها و در جنتها

وَذَرَى لِلْكَافِرِينَ فِي الْعَذَابِ أَجْرًا وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب

وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب و از کافران است در عذاب

وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

وَأَنْتَ بِالْكَافِرِينَ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ عَنِ عَمَلِهِمْ قِيلُوا رَدُّوهُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةً أُولَئِكَ هُمُ الرَّاغِبُونَ

کتابک

عصر

روده

خبرست از رسول علیه السلام در طایز صورت بر خوانند ای مخالفان دادند روی شان کند و اورا قوت دهد تا هیچ مسلمان حد کند ه

آغاز سورة يوسف در قرآن زعفرانی، نسخه سازمان دیانت ترکیه، آنکارا



وَأَهْلَهَا مَصْحُوبٌ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا بَرَأُونَكَ  
 وَأَهْلَانِ رَا بِلَشْتَدِ رَا كَهَاشْتِي خَدَائِقُ كَرِهِي مَرْدَانِ كَرِهِي كَرِهِي تَبَانِ وَبِينِي بِاشْتَدِ  
 مُخْلِفينَ إِلَّا مَن رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَوَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ  
 عَلُونِ كَسْبَانِ سَكِرَ اَرَزَكَرُ مَشَابِدِي مَقِي خَدَائِقُ اَرَزَبَهْرَانِ اَرَزَبَهْرَانِ اَرَزَبَهْرَانِ وَنَهَامَشْتَدِ سَمِي خَدَائِقُ  
 لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ  
 كَلَامِكُمْ دَعْوَانِ اَبَرَبْرُونَ وَرَجَلانِ مَتِّ وَصَمَّ عَمِي كَرِهِي مَرْتَوِ اَرَزَبَهْرَانِ  
 الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ قَوْمًا لَّكُفْرًا وَجَاكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَانِ  
 بِيَهْرَانِ اَلْحَقُّ بَرَاهِمَ بَارِمْ بَرَانِ دَلِيقُ وَاذْبَرْتُو دَرِي سَوَاتِ دَرِي سَتِ بَدِي وَاقْفَانِ  
 لِّلْمُؤْمِنِينَ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اَعْمَلُوا عَلَيَّ مَا كُنْتُمْ اَعْمَلُونَ  
 مَرْدُونَ كَانَا دَكِي مَرَاهِنَا كَه فَه كَرِهِي كَار كَرِهِي بِي جَا بَهَامَا كَا كَا كَا كَا كَرِهِي  
 وَأَنْظُرُوا اَنَا مُنظَرُونَ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْيَمِّ يَرْجَعُ  
 رَجَمُ ذَابِدِ كَمَا جَهَنَّمَ ذَابِدَانِ دَخِرَابَالِ اَبَرَبْرَانِي اَسَامَا وَنَبِي وَاقْفِ كَرِهِي  
 الْأُمُورِ كُلِّهَا فَأَعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ  
 كَارِ مَمَانِ اَدَابَتِي وَتَكَلُّكُ بَرِي وَبِي سَتِ خَلَامَانِ اَتَاكُ اَنَاجِ عَم كَرِهِي  
**السُّورَةُ الَّتِي بُدِئَ فِيهَا بِسُورَةِ بَابِ وَاحِدَةٍ عَرَبِيَّةٍ مَكِّيَّةٍ**  
**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** اَللّٰهُمَّ اِنزِلْنَا هٰذَا الْقُرْآنَ عَلَيْنَا وَاَنْتَ اَعْلَمُ  
 بِمَا نَحْنُ فِيْهِ اِنَّكَ اَنْزَلْتَهُ فِيْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ اِنَّا نَحْنُ غَرِيبٌ لِّعَلْمِكَ نَحْنُ غَرِيبٌ  
 جَهَنَّمَ جَهَنَّمَ اَنَا فَهَوَسْنَا مَرْدَانِ فَرَانِي مَانِي مَانِي مَانِي حَزْبُ اَلْاَكْرَبِيْنَ مَا بَرَكْتِي  
 عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْفَصُوحِ بِمَا اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ هٰذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ  
 بَرُّ بِيَكُو تَبِي مَتَمَّا بَرَّاجِ وَتَكَلُّمِي مَا بِي اَبَرَبْرَانِ اَبَرَبْرَانِ اَبَرَبْرَانِ اَبَرَبْرَانِ

آغاز سورة يوسف در قرآن زعفرانی، نسخه موزه رضا عباسی، تهران



انجامه پایانی قرآن زعفرانی، نسخه سازمان دیانت ترکیه، آنکارا (مورخ جمادی الاولى ٥٤٨ قمری، ری)



انجامه پایانی قرآن زعفرانی، نسخه موزه رضا عباسی، تهران (مورخ ربیع الآخر ۵۴۶ قمری)

## ابوالفخر زعفرانی (عالم و کاتب معتزلی در ری)

با آنکه نام ابوالفخر بن ابی الفضل زعفرانی در پایان دو نسخه از قرآن، مورخ ۵۴۶ و ۵۴۸ هجری یافت شده، تاکنون از احوال وی چندان در منابع دیگر اطلاعی نیافته‌ایم. چه بسا یک نام مشابه ما را به موصل و عهد اتابکان موصل در قرن ششم و هفتم هجری برساند. المبارک بن أحمد بن حمدان، یا همان ابن الشعار الموصلی (م ۶۵۴ ق) در کتاب *قلائد الجمان فی فرائد شعراء هذا الزمان*، به یحیی بن محمد بن عمر بن محمد بن علی اشاره می‌کند، و کنیه و لقب او را «ابوالفخر بن ابی الفضل الکاتب» می‌خواند. این کنیه و لقب «کاتب» بر فرد مورد نظر ما تطابق بسیار دارد، اما سال تولد و روزگار حیاتش با روزگار ابوالفخر زعفرانی هماهنگی ندارد. ابن الشعار الموصلی می‌گوید: «یحیی بن محمد بن عمر بن محمد بن علی یا همان ابوالفخر بن ابی الفضل الکاتب به سال ۵۵۱ هجری در جزیرهٔ عُمَریه [جنوب ترکیه کنونی] متولد شد و از کودکی در موصل سکنی گزید. در عهد نورالدین اتابک ارسلان شاه بن مسعود بن مودود، کاتبی در قلاع موصل بود. من در ایام پیری اش به سال ۶۳۲ هجری در موصل ملاقاتش کردم، شیعی مذهب بود و دیوان شعری در مدایح اهل بیت داشت.» وی سپس قطعاتی از اشعار و مدایح ابوالفخر کاتب را نقل می‌کند.<sup>۱</sup> از آنجا که ابوالفخر بن ابی الفضل زعفرانی در سال ۵۴۶ و ۵۴۸ دو نسخه مترجم قرآن خود را در ایران (و در شهر ری) کتابت کرده، و ابوالفخر بن ابی الفضل کاتب در سال ۵۵۱ هجری در منطقه جزیره به دنیا آمده و عمر خود را در موصل گذرانده است، تطبیق این دو بر یکدیگر ناممکن است. از این رو، برای کشف هویت این کاتب و مترجم قرآن، باید همچنان در لابلای آثار و احوال گذشته در جستجوی شواهد جدید متنی و نسخه شناختی بمانیم.

لقب «زعفرانی» چه بسا به اشتغال پدر و اجداد وی در امر تولید یا تجارت زعفران داشته باشد،<sup>۲</sup> اما حتی نام اصلی خود و پدرش را نمی‌شناسیم و تنها به دو کنیهٔ ابوالفخر و ابوالفضل دسترسی داریم. این نام در فهرست‌های موجود از منابع اسلامی در کتابخانه‌ها و موزه‌های ایران و جهان (مثلاً در دنا و فنخا) ذکر نشده است، با این همه، بعید نیست در آینده آثار دیگری از وی شناسایی شود. تسلط وی بر انواع اقلام محقق،

۱. ابن الشعار الموصلی، *قلائد الجمان فی فرائد شعراء هذا الزمان*، ج ۱۰، ص ۴۶-۴۹.

۲. محمد حسن ابریشمی در کتاب خود، *زعفران از دیرباز تا امروز* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹)، ص ۸۵-۶۹، از برخی کسان با لقب «زعفرانی» در نقاط مختلف ایران یاد کرده، با این همه، فهرست وی را - دست کم در خصوص عالمان و ادیبان ملقب به «زعفرانی» - می‌توان بر اساس منابع تاریخی و تراجمی بسیار گسترش داد.

ثلث، و نسخ در کتابت قرآن، نشان از حرفه‌ای بودن وی در کتابت و استنساخ دارد، و روش وی در پالایش تفسیر سوراآبادی و انجام تغییرات مختلف در نحوه تفسیر آیات یا قرائت آنها و تغییر واژگان فارسی هنگام ترجمه آیات، نشان از دانش و تخصص وی در علوم اسلامی دارد.

در آثار کهن اسلامی، عنوان و شهرت زعفرانی بیش از همه، با گروه‌ها و مناطق مختلفی در همدان، بغداد، بصره، و ری پیوند داشته است. روستایی به نام زعفرانیه، هم در همدان و هم در اطراف بغداد وجود داشته است،<sup>۱</sup> اما ابوالفخر زعفرانی که نسخه‌های خود را در ری کتابت کرده، نمی‌تواند به همدان، بغداد یا جاهای دیگر منسوب باشد. شهر ری (مکان کتابت نسخه آنکارا، مورخ ۵۴۸) تنها سرنخ‌های ما از این دانشمند و کاتب برجسته قرن ششمی است. ری به سبب موقعیت سیاسی و جغرافیایی‌اش، و نیز به خاطر حضور عالمان مختلف فرق اسلامی، یکی از مهم‌ترین کانون‌های علمی و ادبی در سده‌های مختلف اسلامی به ویژه در فاصله قرون سوم تا ششم بوده است.<sup>۲</sup> فرقه‌های مختلف کلامی و فقهی شافعی، حنفی، شیعی، زیدی، اسماعیلی و شماری از معتزله در این چهار قرن، فراز و نشیب بسیار را از سر گذرانده‌اند. صاحب بن عباد وزیر قدرتمند شیعی و قاضی عبدالجبار معتزلی هر دو سالها در ری حضور داشتند. در این میان نجاریه (پیروان حسین بن محمد بن عبدالله النجار الرازی متوفای ۲۲۰ هجری) و گروهی انشعاب یافته از ایشان به نام زعفرانیه را باید از مهم‌ترین کانون‌های معتزلی در ری دانست.

«زعفرانی»های زیادی در قرون سوم تا ششم هجری در ری زیسته‌اند. فی‌المثل ابوعبدالله الحسین بن علی بن الزعفرانی از مشایخ ابن قولویه در ری بوده است.<sup>۳</sup> ابوالقاسم رافعی قزوینی (م ۶۲۳ ق) در التدوین فی أخبار قزوین می‌گوید: «عمر بن ابی الحسین بن عبد الرحیم الزعفرانی الرازی از فرزندان روسای زعفرانیه در ری بود که در سال ۵۶۴ هجری در قزوین از قاضی عطاء الله بن علی سماع حدیث کرد.»<sup>۴</sup> این

۱. نک. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ذیل «زعفرانیه».

۲. برای گزارشی دقیق و مختصر از حضور عالمان مختلف فرقه‌های اسلامی در ری پیش و پس از حمله مغول، نک.: قنبرعلی رودگر، «ری: پویش‌های مذهبی، علمی و فرهنگی» در دانشنامه جهان اسلام، ج ۲۰، ص ۱۱-۱۶.

۳. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ص ۵۲، ۶۱ و ۶۷.

۴. «عمر بن ابی الحسین بن عبد الرحیم الزعفرانی الرازی من اولاد رؤسا الزعفرانیه بالری سمع القاضی عطاء الله بن علی بقزوین سنة أربع وستین وخمسائة جزءا من حدیث القاضی محمد بن عبد الباقي الأنصاری

امر نشان می‌دهد که زعفرانی‌ها و خاندان معتزلی ایشان حتی در نیمهٔ دوم قرن ششم نیز در ری شناخته شده و فعال بوده‌اند. ابوسعید عبدالکریم بن محمد سمعانی (م ۵۶۲ ق) پس از ذکر شمار زیادی از عالمان مشتهر به لقب زعفرانی، می‌گوید: «اما زعفرانیه، فرقه ای از نجاریه‌اند که پیشوایشان فردی به نام زعفرانی بوده است. اینان قائل به حدوث کلام الله‌اند، و قائل به اینکه کلام خدا جز اوست، و هرچه جز او مخلوق است؛ با این حال معتقدند که قول به مخلوق بودن قرآن کفر است. و زعفرانیه در ری دعایی مخصوص خود دارند که چنین است: خدایا هلاک کن هر که گوید قرآن مخلوق است. با این حساب، ایشان جامع متناقضین‌اند.»<sup>۱</sup> بر این‌ها باید افزود اطلاعات فراوانی که عبدالجلیل قزوینی رازی، دانشمند شیعی قرن ششمی در جای‌جای کتاب النقص می‌آورد که نشان می‌دهد نزاع‌های کلامی در میانهٔ قرن ششم بر سر موضوعاتی چون رویت خدا و خلق قرآن در ری میان فرق مختلف در جریان بوده و شیعیان گاه متهم به جانبداری از معتزله می‌شده‌اند.<sup>۲</sup>

لقب «زعفرانی» در انجامهٔ دو نسخهٔ قرآن ابوالفخر زعفرانی، ما را به فرقهٔ «زعفرانیه» در ری و اطراف ری پیوند می‌دهد. منابع فرق و کلام اسلامی دسته‌ای از معتزلیان را زعفرانیه نامیده‌اند. ایشان گروهی از حنفیان ری بوده‌اند که از نجاریه (دسته‌ای اصلی در میان معتزله) فاصله گرفته‌اند و با ایشان اختلافاتی یافته‌اند. موضوعاتی چون خلق قرآن همچنان محل اختلاف این فرقه‌ها با یکدیگر و نیز با دیگر فرق اسلامی بوده است.<sup>۳</sup> مقدسی (م. ۳۸۰ ق) جغرافیدان نامبردار اسلامی در قرن چهارم دربارهٔ ری

عن شیوخه بسماع القاضي من عطاء الله من لفظه سنة ثلاث وثلاثين وخمسائة. «التدوين، ج ۳، ص ۴۴۵. ۱. «وأما الزعفرانية فهم فرقة من النجارية، ينتمون إلى مقدم لهم يقال له الزعفراني، وهذه الفرقة كانت تقول بحدوث كلام الله، وإن كلامه غيره، وإن كل ما هو غيره فهو مخلوق، ويقولون مع ذلك إن القول بأن القرآن مخلوق كفر، وكانت الزعفرانية بالري يقولون في دعائهم: يا رب أهلك من يقول بأن القرآن مخلوق، فيجمعون بين المتناقضين.» سمعانی، الانساب، ج ۶، ص ۳۰۱.

۲. برای نمونه: عبدالجلیل قزوینی رازی، نقض، ص ۴۵۶-۴۵۸ و ۴۸۲-۴۸۳.

۳. بغدادی دربارهٔ ایشان در الفرق بین الفرق (ص ۱۹۷-۱۹۸) می‌نویسد: «ذكر الزعفرانية منهم: هؤلاء أتباع الزعفراني الذي كان بالري وكان يُناقض بآخر كلامه اوله فيقول ان كلام الله تعالى غيره وكل ما هو غير الله تعالى مخلوق ثم يقول مع ذلك الكلب خير ممن يقول كلام الله مخلوق وذكر بعض أصحاب التواريخ أن هذا الزعفراني أراد أن يشهر نفسه في الآفاق فأكثرى رجلا على أن يخرج إلى مكة ويسبه ويلعنه في مواسم مكة ليستهر ذكره عند حجاج الآفاق وقد بلغ حمق أتباعه بالري أن قوما منهم لا يأكلون العنجد حرمة للزعفراني ويزعمون انه كان يحب ذلك وقالوا لا تأكل محبوبه.» نیز نک.: الشهرستاني، الملل و النحل، ج ۱، ص ۸۸-۹۰.

می‌نویسد: «بیشتر مردم ری در فقه حنفی‌اند، [و در کلام] نجاری‌اند، مگر روستاییان این قصبه که زعفرانی مذهبند، ایشان در موضوع خلق قرآن توقف گزیده‌اند. از یکی از داعیان صاحب [بن عباد] شنیدم که می‌گفت: توده مردم در اینجا [ری] در همه چیز تابع من‌اند، مگر در مسأله خلق قرآن. من خود أبو عبدالله زعفرانی را دیدم که از مذهب پدرانش [زعفرانیه] روی گردانیده، و به مذهب نجاریان [از فرق معتزله در ری] روی آورده بود و مردم روستاهای اطراف [ری] از وی دوری می‌کردند. در ری، شمار حنبلیان هم قابل توجه است، و عوام در امر خلق قرآن، پیرو فقیهان‌اند.»<sup>۱</sup> اکنون دور نیست ابوالفخر زعفرانی را نیز یکی از معتزلیان ری در قرن ششم به شمار آوریم، چه هم شهرت او و هم سبک ترجمه‌اش در آیات خاص کلامی این حدس را تأیید می‌کند. وقتی به غلبه دیدگاه‌های معتزلی در ترجمه قرآن زعفرانی توجه کنیم، کلاف ماجرا اندکی گشوده‌تر می‌نماید. ابوالفخر زعفرانی هنگام کتابت قرآنی مترجم به فارسی، هوشمندانه کار خود را بر پایه تفسیر سوراآبادی بنا نهاده است، چراکه اندیشه‌های کلامی سوراآبادی و کرامیان نیشابور در این روزگار، به دیدگاه‌های معتزلی او بسیار نزدیک بوده است. مهم‌ترین گزینه‌های پیش روی وی برای انتخاب، چهار اثر مهم تفسیری به فارسی بوده‌اند: ترجمه تفسیر طبری، تفسیر سوراآبادی، تفسیر شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری، و تفسیر تاج التراجم (ابوالمظفر اسفراینی).<sup>۲</sup> دو اثر اخیر را یک فقیه و صوفی حنبلی و یک محدث و متکلم اشعری نگاشته‌اند و در آن‌ها کمتر به تأویل‌های عقلی و معتزلی روی خوش نشان داده می‌شود. حتی باید گفت این دو اثر کاملاً در دفاع از دیدگاه حنبلی و اشعری نوشته شده‌اند. اثر نخست، یعنی ترجمه تفسیر طبری هم با آنکه دو قرن پیش از زعفرانی تدوین یافته بوده، اما احتمالاً در بیان دیدگاه‌های کلامی، زعفرانی را قانع نمی‌کرده است.

چنانچه در ادامه خواهیم دید، بسیاری از دیدگاه‌های کلامی سوراآبادی در تفسیر

۱. «أما بالري، فالغلبة للحنفيين وهم نجارية إلا رساتيق القصبه فإنهم زعفرانية يقفون في خلق القرآن وسمعت بعض دعاة الصاحب يقول: قد لان لي أهل السواد في كل شيء إلا في خلق القرآن، ورأيت أبا عبد الله بن الزعفراني قد عدل عن مذهب آبائه إلى مذهب النجار وتبرأ منه أهل الرساتيق، وبالري حنابلة كثير لهم جلبة. والعوام قد تابعوا الفقهاء في خلق القرآن»

۲. تفسیر حدادی (معانی کتاب الله و تفسیر المنیر) را هم می‌توان بر این موارد افزود، اما این اثر تألیف شده در غزنین، احتمالاً در ری و در اختیار زعفرانی نبوده است. تفسیر خواجه عبدالله انصاری اما به شهادت کار ابوالفضل میبیدی در کشف الاسرار در میانه قرن ششم به مناطق میانی ایران، رسیده بوده است.



سورآبادی (که تکامل یافته باورهای کرامیه است) مورد قبول زعفرانی قرار گرفته است. ترجمه و تفسیر سورآبادی از آیات قرآن مشتمل بر موضوعاتی چون علم خداوند، قدرت خداوند، رویت الهی، انتساب افعال منفی به خداوند، و انتساب امور موهم جسمانیت خداوند، تقریباً همگی با تغییراتی جزئی به ترجمه زعفرانی راه یافته‌اند، چراکه برگردان این آیات در تفسیر سورآبادی مطابق با کلیات باورهای معتزلی زعفرانی بوده است.

با این همه، در برخی امور، سورآبادی به صراحت از تأویل تن می‌زند، و آیه را به صورت لفظی و بر مبنای ظاهر آن ترجمه می‌کند. در اینجا زعفرانی راه خود را از سورآبادی جدا می‌کند و گرایش معتزلی خود در تأویل ظاهر آیه را آشکار می‌کند. مثلاً در موضوع استوای خداوند بر عرش در آیات اعراف، ۵۴/ یونس، ۳/ رعد، ۲/ طه، ۵/ فرقان، ۵۹/ سجده، ۴/ و حدید، ۴، سورآبادی به خواننده هشدار می‌دهد که چگونگی این «استوای خدای بر عرش» بر ما آدمیان روشن نیست. در حالی که سورآبادی در ترجمه این آیات می‌نویسد: «پس استوا کرد بر عرش، بی چون و بی چگونه»، زعفرانی برای رفع شبهه تجسیم، به روشنی تمام این آیات را به صورتی یکسان چنین ترجمه می‌کند: «پس اقبال کرد بر آفریدن عرش».

یک مثال دیگر، واژه کلیدی «مُحَدَّث» است که دو بار (انبیاء، ۲/ شعراء، ۵) به قرآن نسبت داده شده است. با توجه به نزاع‌های کلامی بر سر خلق یا عدم خلق قرآن، برگردان‌های زعفرانی نشان می‌دهد که وی به حدوث یا خلق قرآن باور دارد. یکبار آن را به «نَوُكْفَتَهُ» و در جای دیگر آن را به «نَوُأَوْرَدَهُ» ترجمه کرده است.<sup>۱</sup> اما سورآبادی در تفسیر خود یکجا (شعراء، ۵) به روشنی موضوع را از قرآن به امور دیگر چون ذاکر و شرف انصراف می‌دهد،<sup>۲</sup> و در جای دیگر (انبیاء، ۲)، به تفصیل پرسشی پیرامون دلالت آیه بر خلق و حدوث قرآن مطرح می‌کند و آن را مردود می‌شمارد.<sup>۳</sup>

۱. نیاید بدیشان هیچ یادکردی از خدایشان نُوکَفَتَهُ که نه فرانیوشند آنرا و ایشان بازی می‌کند (انبیاء، ۲). و نیاید بدیشان هیچ پند از خدای، نَوُأَوْرَدَهُ که نه باشند از آن رُوی برگردانندگان (شعراء، ۵).

۲. «وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ: و نیامد به ایشان هیچ پند — گفته‌اند من ذکر ای: من ذاکر، هیچ پند دهنده‌ای، و گفته‌اند من ذکر ای: من شرف، هیچ شرف — از خدای مهربان نو آورده إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ: که نباشند از آن روی گردانندگان» (تفسیر سور آبادی، ج ۳، ص ۱۷۲۱).

۳. «سؤال: چرا قرآن را محدث نگویند بعد ما که خدای تعالی آن را در این آیت محدث گفت. جواب گفته‌اند این ذکر پند است و گفته‌اند این ذکر رسول است و پند و رسول خود نبود مگر محدث، و گفته‌اند این ذکر به معنی ذاکر است و گفته‌اند این ذکر به معنی شرف است و این همه جز قرآن است. سؤال: این ذکر را در این

ماحصل آنکه ابوالفخر زعفرانی یکی از عالمان پارسی‌گوی ری در قرن ششم هجری است که از تبار فرقه زعفرانیه و نزدیک به گرایش‌های کلی کلامی معتزله بوده است.

### خوشنویسی و تذهیب قرآن زعفرانی

خط نسخه قرآن زعفرانی (در موزه رضا عباسی)، خط نسخ است،<sup>۱</sup> اما با نسخ یاقوتی فاصله دارد. با این حال، نزدیک‌ترین نسخه از نظر تاریخ کتابت به نسخه زعفرانی، قرآنی است به خط محمود بن حسین کاتب کرمانی که در تاریخ ۵۵۹ هجری کتابت شده است<sup>۲</sup> و در آن، خط ریحان حضور آشکار دارد؛ اما در نسخه زعفرانی دور خط بسیار نزدیک به خط ریحان، ولی ساختار خط نسخ است. اندازه حروف، ارتفاع الف و برخی از دوایر به ریحان نزدیک‌ترند. در این دوره هنوز اساساً خط نسخ آمیختگی آشکار با ریحان و در برخی نمونه‌ها با ثلث دارد. قوت قلم کاتب در این نسخه ستودنی است و نسبت به زمان کتابت، نسخه‌ای نفیس محسوب می‌شود. نسخه بسیار بی‌تکلف کتابت شده و روشن است ضمن رعایت اصول خوشنویسی، جنبه کاربردی نسخه بیش از رعایت معیارهای زیبایی‌شناختی اهمیت داشته است. خط ترجمه، نوع تحریری خط متن است. در هر حال نمونه‌ای نادر و مهم در تاریخ کتابت قرآن به‌ویژه خط نسخ است.

نسخه همچنین از منظر تزئینات واجد اهمیت، و نمونه‌ای نفیس از تذهیب دوره سلجوقی است. در این دوره، اساس تذهیب بر استفاده از ورقه طلا است. صفحات افتتاحیه مشابه برخی نمونه‌های این دوره مرکب است از دو کادر مستطیل که با حاشیه‌های با نقوش اسلیمی و زنجیره‌ای و دو کتیبه که در بالا و پایین متن قرار گرفته‌اند. نقوش کتیبه‌ها بیشتر مبتنی بر منحنی و شامل اسلیمی‌های چند پر، گل و برگ، و نقوش

---

موضع چنان که بر این همه وجوه که یاد کردی رانده‌اند بر قرآن هم رانده‌اند پس چرا قرآن را محدث نگویی؟ جواب گویم اگر این ذکر بر قرآن رانی این محدث به معنی احداث بود نه به معنی مخلوق و روا بود که این محدث صفت اتیان قرآن بود نه صفت قرآن، و اتیان قرآن خواندن جبرئیل و خواندن مصطفی بود، لا جرم آن خواندن ایشان خود محدث بود، و روا بود که این محدث به معنی جلی و ظاهر بود، نشاید که محدث صفت قرآن بود زیرا که اگر قرآن محدث بودی مخلوق بودی و قرآن نه مخلوق است بل که منزل و حدیث است چنان که خدای عزّ و جلّ گفت اللّٰهُ نزل احسن الحدیث» (تفسیر سوره آبادی، ج ۳، ص ۱۵۴۷-۱۵۴۸).

۱. در این بخش از توضیحات دوست گرامی‌ام، علیرضا هاشمی نژاد در مراسم رونمایی و معرفی نسخه «قرآن زعفرانی»، در موزه رضا عباسی، تهران، ۲۵ آذر ۱۳۹۷، استفاده کرده‌ام.

۲. این نسخه اکنون در موزه دانشگاه پنسیلوانیا به شماره NEP۲۷ نگه‌داری می‌شود.

حلزونی شکل است. در کتیبه‌ها، سرسوره به خط کوفی طلایی محرر نوشته شده و در دو طرف کتیبه عنوان دو قاب با زمینه لاجورد و نقوش اسلیمی نقش بسته است. متن آیات دندان موشی شده و با هاشور شطرنجی پوشیده شده است. فاصله بین آیات با گلهای شش‌پر و در صفحات افتتاح با شمشه‌های کوچکی که در مرکز گل نیلوفر و در اطراف با برگ‌های متصل ترسیم شده‌اند. علائم و نشانه‌های تخمیس و تعشیر و ... در فرم‌های شمشه و ترنج گلدان‌وار ترسیم و برخی نشانه‌ها نیز به خط کوفی، و سرسوره‌ها به خط توقیع طلایی محرر کتابت شده‌اند.

برخی سرسوره‌ها نیز به خط کوفی و در قالب کتیبه و ترنج سمت راست با نقوشی مشابه سرلوح صفحات افتتاح تزئین شده‌اند. صفحه آغازین، صفحه‌ای تمام تذهیب است که با چهار شکل ستاره مانند ۱۶ ضلعی و انواع نقوشی که برشمردیم و رنگ‌های طلایی، لاجورد و شنگرف تزئین شده است. در پایان برخی سوره‌ها در دو طرف عبارت پایانی سوره نوارهای تزئینی به رنگ طلا ترسیم شده است. در مجموع تذهیب «قرآن زعفرانی» از نمونه‌های تذهیب بسیار نفیس و پرمایه دوره سلجوقی است، و نشان از اهمیت نسخه در زمان کتابت آن دارد.<sup>۱</sup>

### ویژگی‌های کلی ترجمه فارسی

پاره‌ای از ویژگی‌های ترجمه فارسی قرآن زعفرانی هماهنگ با سیر کلی ترجمه‌های قرآنی در قرون چهارم تا ششم هجری است. سرآغاز این برگردان‌های فارسی را باید ترجمه تفسیر طبری دانست که به دستور منصور بن نوح سامانی در سال ۳۵۴ هجری در ماوراء النهر انجام گرفت و تا قرن‌ها، سبک و سیاق کلی ترجمه‌های فارسی قرآن پس از خود را سمت و جهت بخشید. با این همه، و به رغم تأثیر و هیمنه زبان و سبک ترجمه آیات قرآنی در ترجمه تفسیر طبری بر آثار بعدی، برخی از مترجمان و مفسران پارسی گوی بعدی گاه توانسته‌اند گونه‌های متفاوتی از ساختار، نحو، و واژه‌های فارسی را در آثار خود به کار گیرند که آنها را از ترجمه تفسیر طبری تمایز بخشد. از آن جمله باید به ترجمه آیات قرآن در تفسیر سوراآبادی، ترجمه خواجه عبدالله انصاری در نوبت اول تفسیر کشف الاسرار میبدی، و نیز ترجمه آیات قرآن در پلی میان شعر هجایی و عروضی

۱. علیرضا هاشمی نژاد، «خوشنویسی و تذهیب قرآن زعفرانی»، آیین رونمایی و معرفی نسخه «قرآن زعفرانی»، با ترجمه کهن پارسی، بروشور ارائه شده در مراسم رونمایی در موزه رضا عباسی، تهران، ۲۵ آذر ۱۳۹۷، ص ۱۰.

فارسی<sup>۱</sup> (نسخه قرآن شماره ۲۳۰۹ در کتابخانه آستان قدس رضوی) اشاره کرد. ترجمه قرآن زعفرانی قالبی کلمه به کلمه دارد؛ یعنی مترجم به سبک نخستین مترجمان قرآن در زیر هر کلمه قرآنی، معادل فارسی آن را می نویسد. از همین رو، نحو جملات فارسی بیشتر به ساختار عربی آیات نزدیک است. این سبک از برگردان قرآن، چه بسا در قرون نخست، ترجمه به معنای امروزی به شمار نمی آمده است، بلکه تنها گونه ای معادل یابی برای تک تک کلمات قرآن بوده است، اما به تدریج نثر ترجمه های فارسی در قرون ششم و هفتم روان تر می شود. از این رو، باید گفت ساختار جملات فارسی در ترجمه قرآن زعفرانی، در قیاس با نثر ترجمه تفسیر طبری، از روانی بیشتری برخوردار است، گویانکه همچنان در فضای ترجمه های تحت اللفظی یا کلمه به کلمه کهن به سر می برد.

ویژگی دوم زعفرانی، وابستگی وی به تفسیر فارسی سوره آبادی است. در واقع ترجمه فارسی قرآن زعفرانی را باید بازسازی و پیرایشی از تفسیر سوره آبادی دانست. با این همه، مقایسه این ترجمه با متن تفسیر سوره آبادی نشان می دهد که دشوار می توان کار زعفرانی یک رونویسی صرف قلمداد کرد. تفسیر سوره آبادی همچنانکه می دانیم، ترجمه و تفسیری مزجی و درهم آمیخته از قرآن کریم به زبان فارسی است. به عکس پدید آورندگان ترجمه تفسیر طبری که نخست، ترجمه فارسی کلمات و جملات را زیر آیات قرآن می نویسند، و سپس به گزارشی مشروح از قصص و محتوای آیات می پردازند، ابوبکر عتیق بن محمد سوره آبادی (م ۴۹۴ ق) در کار خود، ترجمه و تفسیر قرآن را به صورت مزجی و درهم آمیخته ذکر می کند. یعنی گاه تمام یک آیه و گاه بخشی از آن را به صورت پاره پاره نقل می کند، سپس ترجمه و در پی آن تفسیری کوتاه یا مشروح از آن ارائه می دهد و به سراغ بخش بعدی می رود. در خلال این کار، گاه سوال و جوابی را ناظر به محتوای لغوی، ادبی، تاریخی، کلامی و تفسیری آیه مطرح می کند. بنابراین روشن است که گاه به سادگی نمی توان در این اثر، ترجمه آیات قرآن را از تفسیر آن جدا کرد.

هنر زعفرانی آن است که از میان ترجمه و تفسیر ممزوج سوره آبادی، برگردانی خالص از آیات قرآن را استخراج کرده و آن را بر اساس سلیقه خود بازسازی و پالایش

---

۱. پلی میان شعر هجائی و عروضی فارسی در قرون اول هجری: ترجمه ای آهنگین از دو جزو قرآن مجید، به اهتمام احمدعلی رجایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

کرده است. از این رو، می‌توان گفت به همان اندازه که این ترجمه فارسی قرآن به میراث سورآبادی نزدیک است، وامدار قلم و طبع و اندیشه زعفرانی است. فی‌المثل وقتی سورآبادی دو یا چند قرائت مختلف در یک آیه را بیان، و ترجمه‌ها و تفسیرهای متفاوت را ذکر می‌کند، زعفرانی یک قرائت را اختیار و ترجمه فارسی خویش را بر همان اساس در نسخه خود می‌نویسد. یا وقتی که سورآبادی شرحی کوتاه یا بلند در باب آرای لغوی و تفسیری مختلف ذیل آیه‌ای از قرآن ذکر می‌کند، زعفرانی مطابق نظر خود، رأی را اختیار می‌کند و همان را در ترجمه فارسی اش منعکس می‌کند. در اینجا به نمونه‌هایی از اقدام زعفرانی در پالایش و بازسازی تفسیر سورآبادی، هنگام کتابت نسخه قرآن خود اشاره می‌کنم.

(الف) ﴿قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره، ۲۵۹).

سورآبادی: گفت اکنون به عین الیقین می‌دانم — وگر قال أعلم به جزم خوانی، امر بود؛ یعنی خدا گفت: بدان — که خدا بر هر چه خواهد و بر هر چه صحت مقدوری دارد توانا است.

زعفرانی: گفت: بدان که خدای بر هر چیز توانا است.

(ب) ﴿وَالتَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾ (الرحمن، ۶).

سورآبادی: و ستاره و درخت سجود می‌کنند. گفته‌اند مراد از این نجم ستارگان آسمان است و این شجر نبات زمین، سجود ستارگان رفتن و گشتن است و سجود درخت جنبیدن و سایه گردیدن. و گفته‌اند النجم ما نجم من الارض ولا يقوم علی ساق و سجود آن گفته‌اند تسبیح آن است ...

زعفرانی: و گیاه بی ساق و نبات باساق سجود می‌کنند.

(ج) ﴿أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ﴾ (الرحمن، ۸).

سورآبادی: و فرمود که از حد درمگذرید در ترازو و سختن. طغیان در وزن و میزان خیانت کردن بود در آن.

زعفرانی: که مه جوئید اوزونی در ترازو.

(د) ﴿فَلَا تُطِيعُ الْمُكذِّبِينَ﴾ (قلم، ۸).

سورآبادی: فرمان مبر آن دروغ دارندگان حق را که می‌گفتند دست از این دعوی نبوت بدار با ما بساز تا ما با تو بسازیم. زعفرانی: فرمان مبر بدروغ دارندگانرا

(ه) ﴿وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم، ۹).

سورآبادی: ایشان آن دوست دارند که تو با ایشان در سازی تا ایشان با تو در سازند به مداهنت. گفته‌اند معناه: و دوا لو تکفر فیکفرون.

زعفرانی: دوست داشتند که فاسازی با ایشان تا ایشان فاسازند با تو.  
(و) ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْعَيْبِ بِضَنِينٍ﴾ (تکویر، ۲۴).

سورآبادی: وما هو علی الغیب بضنین: و نیست وی بر وحی متهم. و اگر بضنین خوانی به ضاد: نیست او بر وحی بخیل که چیزی از آن باز گیرد.  
زعفرانی: و نیست او بر ناپیدا تُهَمَّتْ زَدَه.

زعفرانی در ترجمه خود به حداقل افزوده‌های تفسیری بسنده می‌کند. همین امر کار وی را در قیاس با نمونه‌های مشابه مانند ترجمه قرآن (نسخه مورخ ۵۵۶)،<sup>۱</sup> معروف به «قرآن ری» — نسخه قرآن شماره ۶۶۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی — بسیار متمایز می‌کند. کاتب «قرآن ری»، ابوعلی الحسن بن محمد الحسن الخطیب، که هم روزگار با ابوالفخر زعفرانی است، ترجمه آیات را در نسخه خود همراه با تفسیر و افزوده‌های فراوان می‌آورد.<sup>۲</sup> به عکس ترجمه‌هایی چون قرآن ری که در آنها، ترجمه کمی از حالت لفظ به لفظ خارج شده، و مترجم عبارات کوتاه و بلندی را در قالب شرح و بیان به ترجمه قرآن افزوده، در اینجا، زعفرانی مترجم با پرهیز از افزودن توضیحات اضافی، می‌کوشد تا حد ممکن از قاعده لفظ در برابر لفظ خارج نشود. اندک موارد تخطی از این قاعده در جایی است که زعفرانی مرجع ضمیر یا اسم اشاره‌ای را آشکار می‌کند، و اژه‌ای مبهم و متشابه را با تفسیر آن جایگزین می‌کند،<sup>۳</sup> یا در ترجمه یک واژه قرآنی از عطف مترادفین استفاده می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. ترجمه قرآن (نسخه مورخ ۵۵۶ هجری)، کاتب: ابوعلی الحسن بن محمد الحسن الخطیب، به کوشش محمدجعفر یاحقی، مشهد: مؤسسه فرهنگی شهید رواقی، ۱۳۶۴.

۲. یک نمونه دیگر، جزوه قرآن مترجم فارسی به شماره ۱۴۴ در کتابخانه آستان قدس رضوی، وقف شده از سوی محمد بن عباس بن محمد بن ابی الطیب الاشری بر مشهد امام رضا علیه السلام (احتمالاً در قرن ششم هجری) است. در این اثر نیز آیات قرآن همراه با افزوده‌ها و توضیحات تفسیری (کوتاه و گاه بسیار بلند) به فارسی ترجمه شده‌اند.

۳. مثلاً أهل الذکر (نحل، ۴۳ و انبیاء، ۷) را به اهل کتاب ترجمه می‌کند، الذکر (فرقان، ۲۹) را به توحید، و در جای دیگر، الذکر (ص، ۷) را به قرآن و وحی برمی‌گرداند.

۴. در سه جا، زعفرانی پس از ترجمه عبارتی قرآنی، تفسیری دیگر را با استفاده از تعبیر «و گفته‌اند:»، در زیر سطر می‌نویسد. این کار که در برخی دیگر از نسخه‌های مترجم قرآن مکرراً انجام می‌شود، در ترجمه

## رسم الخط فارسی در قرآن زعفرانی

رسم الخط فارسی در ترجمه قرآن زعفرانی حاوی اغلب مختصات املائی کلمات در نسخه‌های فارسی سده‌های پنجم و ششم هجری است. این امر جزئیات زیادی را دربر می‌گیرد که در اینجا به اختصار به مهم‌ترین و پرکاربردترین آنها اشاره می‌کنم: حروف (ژ، چ، پ) با یک نقطه در زیر و به صورت (ز، ج، ب) کتابت می‌شوند. به ندرت املائی (ژ) و «پ» با سه نقطه نیز در نسخه می‌توان یافت. گاف هم همواره با یک سرکش و به صورت «ک» آمده است. که، چه، هرکه، هرچه، آنچه، بدانچه، گرچه، و ... بدون «ها» و به صورت کی، جی، هرک، هرک، آنج، بدانج، کرجی، و ... نوشته می‌شوند. زعفرانی همچنین ذال فارسی را در کلماتی چون بود، شاید، رود، دارد، داند، رسیدند، پوشیده، خدای، و مانند آن با نقطه، و به صورت بوذ، شاید، روذ، دارذ، داند، رسیدیذ، بوشیذ، خدای و ... می‌نویسد. ترکیب «با آن» به صورت «بازان» آمده است. «می» در فعل مضارع، در کلماتی چون می‌رود، می‌گوید و مانند آن، همواره جدا از فعل نوشته می‌شود.

جمع کلماتِ مختوم به ا همانند بینا، پیشوا، همتا، تنها، توانا، ناپیدا، ترسا، کوشا، شکیا با دو ا و به صورت بینان، پیشوان، همتان، تنهاان، توانان، ناپیدان، ترسان، کوشان، شکیان آمده است. حرف استفهام «آیا»، همواره به صورت «ای» کتابت می‌شود. همچنین هنگام اتصال «ها» ی علامت جمع به کلماتی که خود به «هاء» غیرملفوظ ختم می‌شوند، زعفرانی عموماً یک «هاء» را می‌نویسد. مثلاً کلماتی چون جامها، چشمها، درجها، میوها، خانها، اندازها، سینها، پاشنها، نبشتهها، پاکیزها، و ... به جای جامه‌ها، چشمه‌ها، درجه‌ها، میوه‌ها، خانه‌ها، اندازه‌ها، سینه‌ها، پاشنه‌ها، نبشته‌ها، پاکیزه‌ها و ... آمده است.<sup>۱</sup>

زعفرانی، هنگام برگردان آیات مرتبط با رویت و لقاء الله روی داده است. الف) قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ (انعام، ۳۱): زبان کردند آنها که بدروغ داشتند بازرسیدن با قیامت — و گفته‌اند دیدار خدای. ب) أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ (كهف، ۱۰۵): ایشانند آنها که کافر شدند بنشانهای خدایشان و بازگشتن با وی بقیامت — و گفته‌اند بدیدار وی. ج) فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ (كهف، ۱۱۰): هرکه بود که می‌امید دارد بباز رسیدن با خدای او — و گفته‌اند بدیدار خدای او.

۱. برای مقایسه با چند اثر مهم فارسی از سده پنجم هجری، نک: جلال متینی، «رسم الخط فارسی در قرن پنجم هجری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۰ و ۱۱، تابستان و پاییز ۱۳۴۴، ص ۱۵۹-۲۰۶.

### واژه‌های فارسی در ترجمه زعفرانی

ترجمه فارسی زعفرانی از حیث واژگانی هم منبعی بسیار مهم در تاریخ زبان فارسی به شمار می‌آید. زعفرانی در کار خود بر تفسیر سورآبادی تکیه داشته است، و از این جهت واژگان فارسی و گویش او به نیشابور و اطراف آن نزدیک‌تر می‌نماید. با این حال، کتابت نسخه‌ای دیگر، مورخ ۵۴۸ به دست زعفرانی در ری، نشان می‌دهد وی به احتمال قوی در ری سکونت داشته، اما چه بسا به مناطق مهم علمی در خراسان و نیشابور رفت و آمد داشته است. از این رو، نمی‌توان به قطع و جزم، واژه‌های فارسی در ترجمه قرآن زعفرانی را تماماً متعلق به سوربان، نیشابور و نواحی اطراف آن دانست. شاهدی واضح بر این امر آنکه مقایسه ترجمه فارسی آیات در دو نسخه تهران (موزه رضا عباسی، مورخ ۵۴۶ هجری) و آنکارا (کتابخانه سازمان دیانت، مورخ ۵۴۸ هجری) نشان می‌دهد که زعفرانی در کار نخست واژه‌های فارسی بیشتری به کار برده، اما در نسخه بعدی، برخی از این واژه‌ها را با معادل‌های عربی‌شان جایگزین کرده است. انتخاب واژه‌های فارسی سوربانی یا نیشابوری از تفسیر سورآبادی، و انجام برخی دگردیسی‌های واژگانی یا گویشی بر مبنای گویش رایج در ری در ترجمه فارسی زعفرانی (مانند مروارید، بدزبانان، برنا، پذیرفتن، سوهی و دستورنجنها)، از جمله موضوعات پژوهش در آینده می‌تواند باشد. در اینجا فهرستی از مهم‌ترین واژه‌های فارسی در ترجمه قرآن زعفرانی (نسخه موزه رضا عباسی) را ذکر می‌کنم. برخی از معادل‌های فارسی برای دو واژه قرآنی آمده است.

معادل فارسی	واژه قرآنی	آدرس آیات
اخریان	مَتَاعٌ	النور، ۲۹
اَخْرِيَان	بِضَاعَةً	یوسف، ۱۹
ارش	ذِرَاعًا	الحاقه، ۳۲
ارمان	حَسْرَةً	آل عمران، ۱۵۶
ارمانها و دردها	حَسْرَاتٍ	البقره، ۱۶۷
آزیه بشندگان	الْقَوَاعِدُ	النور، ۶۰
از فرود او	مِنْ دُونِهِ	النساء، ۱۱۷



استاره‌های رُوشن	شُهباً	جن، ۸
اغالیدنی	أَزَّأً	مریم، ۸۳
انجمن	نَدِيًّا	مریم، ۷۳
انجمن	الْمَلَا	ص، ۶۹
انجمن شما	نَادِيكُمْ	العنكبوت، ۲۹
اندروائی کرد ایشانرا	دَلَّاهُمَا	الاعراف، ۲۲
اندوهان	الْبُأْسَاءِ	الانعام، ۴۲
اندوهان من	بَيْي	یوسف، ۸۶
اندیشه	ظُنُّ	یونس، ۶۰ / الصافات، ۸۷
اندیشه کنندگان	الظَّانِّينَ	الفتح، ۶
اینکند می آیند	أَوْلَاءِ	طه، ۸۴
آب‌دستانها	أَكْوَابِ	الزخرف، ۷۱ / الانسان، ۱۵
آب‌دستانها	أَبَارِيقَ	الواقعة، ۱۸
آبگینه	رُجَاجِةٍ	النور، ۳۵
آبگینه	قَوَارِيرَ	النمل، ۴۴ / الانسان، ۱۵
آتش جستی	بَرْقُ	البقرة، ۱۹
آرامیده و خوار	خُشَعًا	القمر، ۷
آرامیده خوار	خَاشِعَةً	الغاشية، ۲
آفرینها	صَلَوَاتُ	البقرة، ۱۵۷
آلایش	أَدَّى	البقرة، ۲۲۲
آمیغ آن	مِرْأَجُهَا	الانسان، ۵
وازنها	الْمَرَاقِ	المائدة، ۶
باپس	وَرَاءَ	البقرة، ۱۰۱
باپس ایستید	تَسْتَخْرُونَ	سبا، ۳۰

ابراهیم، ۱۰	يُؤَخِّرْكُمْ	باپس دارد شما را
الاحزاب، ۵۱	تُرْجِي	باپس داری
هود، ۸	أَخْرَجْنَا	باپس داریم
الکھف، ۱۷	تَتْرَاوْرُ	باپس کند ایشانرا
التوبة، ۸۱	الْمُخَلَّفُونَ	باپس گذاشتگان
هود، ۱۰۴	مَا نُؤَخِّرُهُ	باپس نمی داریم آنرا
الاسراء، ۱۵ / فاطر، ۱۸	وَرَزَّ	باربزه
نوح، ۱۴	أَطْوَارًا	بارها و گونها (= گونه‌ها)
الحج، ۴۱	نَهَوْا	بازد کردندى
النساء، ۱۶۱	نُهُوا	بازد کرده بودند ایشانرا
غافر، ۶۶	نُهِيتُ	بازد کرده اند
النساء، ۳۱	تُنْهَوْنَ	بازد کرده اند شما را
الحجر، ۷۰	نَنْهَكَ	بازد کرده ایم ترا
العنكبوت، ۴۵	تَنْهَى	بازد کند
آل عمران، ۱۰۴	يَنْهَوْنَ	بازد می کنند
الاعراف، ۲۰	مَا نَهَاكُمَا	بازد نکرد شما را
المائدة، ۷۹	لَا يَتَنَاهَوْنَ	بازد نکردند و باز نه ایستادند
ممتحنة، ۸	لَا يَنْهَاكُم	بازد نمی کند شما را
طه، ۱۸	عَصَا	باهو
الاعراف، ۱۰۷ / الشعراء، ۳۲	عَصَاهُ	باهوی خود/ باهوی او
البقرة، ۲۸۲	فَتَذَكَّرْ	بایاد دهدا
النور، ۵	أَصْلَحُوا	بیسامانند
البقرة، ۲۲۰	إِصْلَاح	بیسامانیدن
البقرة، ۱۶۰	أَصْلَحُوا	بیسامانیدند

بِسَائِدٍ	اَفْسَحُوا	النساء، ۴۳ / المائدة، ۶
بِسُودَنٍ نَيْسَت	لَا مِسَاسَ	طه، ۹۷
بِسُودَنْدِي اَنرَا	لَمَسُوهُ	الانعام، ۷
بِسُودَه بَاشِيد	لَا مَسْتُمْ	النساء، ۴۳
بِسُودَه نَبَاشِد ايشانرا	لَمْ يَطْمِئِنَّ	الرحمن، ۵۶
بِسُودِيم	لَمَسْنَا	جن، ۸
بَيْنَافَتَه بَاشِنِد ايشانرا	اُحْصِرُوا	البقرة، ۲۷۳
بَيَاوَنِد	اُحْصِرْتُمْ	البقرة، ۱۹۶
بَتْرِين	سُوءَ	البقرة، ۴۹
بَتْرِين	شَرَّ	الانفال، ۲۲
بَتْرِين	اَسْوَأَ	الزمر، ۳۵ / فصلت، ۲۷
بَشَّشَه	كَبِيمٌ	يوسف، ۸۴ / الزخرف، ۱۷
بِجَسِب	اجْتَحَ	الانفال، ۶۱
بِجَسِبِد (تا)	لِتَصْغَى	الانعام، ۱۱۳
بِجَسِبِم	اَصْبُ	يوسف، ۳۳
بِجَسِبِنِد	جَنَحُوا	الانفال، ۶۱
بِجَسِبِنِد (هر دُو)	زَالَتَا	فاطر، ۴۱
بِجَسِبِنِد بِحَمَلَه	يَمِيلُونَ	النساء، ۱۰۲
بِجَسِبِيد	رَاعَ	الصفات، ۹۱
بِجَسِبِيد	تَعْدَلُوا	النساء، ۱۳۵
بِجَسِبِيد	صَعَتُ	تحریم، ۴
بِجَسِبِيد	تَمِيلُوا	النساء، ۲۷
بِجَسِبِيدِنِي	جَنَفًا	البقرة، ۱۸۱
بِخَنَوَه	الْبَرْقِ	البقرة، ۲۰

بخوش منشی کند	تَطَوَّعَ	البقرة، ۱۸۴
بخوش منشی	نَفْسًا	النساء، ۴
بداشتگان	مَوْفُوفُونَ	سبأ، ۳۱
بداشتن آن	مُرْسَاهَا	النازعات، ۴۲
بَدَرَهَا	الْقَنَاطِيرِ	آل عمران، ۱۴
بَدْرُ بَانَان	الْأَعْجَمِينَ	الشعراء، ۱۹۸
بدردید	اسْتَرْقَى	الحجر، ۱۸
بدگوئی را فاپس	هُمَزَةٍ	الهمزة، ۱
بدگوئی را فاپیش	لُمَزَةٍ	الهمزة، ۱
بَدِلْ بازگردد	يُنِيبُ	غافر، ۱۳
بَدِلْ بازگردنده	أَوَّاهَ	التوبة، ۱۱۴
بدل بازگردید	فَتَوَبُوا	البقرة، ۵۴
بر پذیرفت او را	كَفَّلَهَا	آل عمران، ۳۷
بر پذیرد	يَكْفُلُ	آل عمران، ۴۴
بَرِ بَدِيرِد او را	يَكْفُلُهُ	طه، ۴۰
بر پذیرفت	تَوَلَّى	النساء، ۱۱۵
بَر خوردراری و خنور	مَتَاعَ	آل عمران، ۱۸۵
بَر شدن جایها	الْمَعَارِجِ	معارج، ۳
بَرَمَد	اشْمَازَتْ	الزمر، ۴۵
بَرْنَا	فَتَى	الانبياء، ۶۰
بَر نوردند	كُوِّرَتْ	التكوير، ۱
بَر هایشان	جُبِيهِنَّ	النور، ۳۱
بزرگ منشی	كَبِيرٌ	غافر، ۵۶
بسامان کردن	إِصْلَاحَ	النساء، ۱۱۴

بَسَامَانَان	الصَّالِحِينَ	النور، ۳۲
بَسْتَهُ زُبَانَان	بَهِيمَةً/بَهِيمَةً	المائدة، ۱/الحج، ۲۸
بَسْتِيَهِيدِنْدِي	لَجُؤَا	المؤمنون، ۷۵
بَسَد	الْمَرْجَانُ	الرحمن، ۲۲
بَسْكَالْم	أَكِيدَنَّ	الانبیاء، ۵۷
بَسْكَالِنْد	يَكِيدُوا	یوسف، ۵
بَسْكَالِيدِ مَرَا	كِيدُونِي	الاعراف، ۱۹۵/هود، ۵۵
بَسْكَالِيدِنْد	مَكْرُوا	آل عمران، ۵۴/النمل، ۵۰
بَكَلُواخِيدَه بُوْدُ أَوْ رَا	يَتَخَبَّطُهُ	البقرة، ۲۷۵
بَكْرَمِ آرْد	يَغِيظُ	التوبة، ۱۲۰/الفتح، ۲۹
بَكْرَمِ آمَدَه	مَكْطُومٌ	قلم، ۴۸

۱. مترجم این واژه غریب فارسی به معنای آشفته حالی و عدم تعادل را در برابر تَخَبُّط به کار برده است. کلوآخیدن یا گلوآخیدن به معنای آشفته و دیوانه ساختن اندکی غریب می نماید. در جای دیگری در میان متون کهن و فرهنگ های قدیم و جدید فارسی اثری از آن نمی یابیم (برای نمونه ای از قرن هفتم یا هشتم، نک. نسخه ۲۸۳۰۱ در کتابخانه ملی ایران). بعید نیست این واژه تصحیف یا گویشی دیگر از همان «گلوچیدن» باشد که شنقشی آن را در تفسیر خود (نسخه ش ۱۷۷۱ آستان قدس) در ترجمه همین آیه بقره، ۲۷۵ و نیز در ترجمه عبارت کالذی استهوته الشیاطین (انعام، ۷۱) به کار برده است: «چنان کی آن کس بود کی بگلوچیده باشدش دیوان اندر زمین». ترجمه شنقشی از الذی یتخبطه الشیطان (بقره، ۲۷۵) چنین است: «مگر چنان کی خیزد آن کس اندرین جهان کی گلوچیده بودش دیو از دیوانگه». بنابر جدول موجود در فرهنگنامه قرآنی، ۱۴۱/۱ و ۱۶۶۲/۴، این واژه در ترجمه قرآنی نسخه ش ۴۶۴۰ آستان قدس (کتابت سال ۵۸۴) نیز ذیل آیه انعام، ۷۱ به کار رفته است. با توجه به اینکه ترجمه زعفرانی (مورخ ۵۴۶ ق) از نظر زمانی مقدم بر هر دو نسخه فوق است، کاربرد این واژه در آن مقدم است. اکنون یا باید بگوئیم زعفرانی در نگارش نسخه خود، مرتکب سهو و تصحیف شده و ج (چ) را خ نوشته است، یا آنکه بگوئیم این واژه کهن فارسی را با تلفظ و گویشی خاص نوشته است. این دومی هیچ دور نیست، چه در این اثر، واژه هایی دیگر با گویش متفاوت نیز می یابیم. نکته قابل توجه آنکه زعفرانی در نسخه قرآن دیگر خود (نسخه آنکارا، برگ ۲۶ الف) نیز در اینجا نوشته است: آن کس که گلوآخیده بود او را دیو.

بنچسباند (تال-) / بنچسباند	تَمِيدَ	النحل، ۱۵ / الانبياء، ۳۱
بنفرید ایشانرا	لَعَنَهُمْ	الاحزاب، ۵۷ / محمد، ۲۳
بنفریدگان	مَلْعُونِينَ	الاحزاب، ۶۱
بَنَهَ گاههای بزرگ	شُعُوبًا	الحجرات، ۱۳
به آید	يَغْلِبُ	النساء، ۷۴
به آیند	عَلَبَتْ	البقرة، ۲۴۹
به آیندگان	عَالِيُونَ / الْعَالِيُونَ	المائدة، ۲۳ / الانبياء، ۴۴
به گزینی	الْخَيْرَةَ	الاحزاب، ۳۶
بهوانی	شِفَاءً	النحل، ۶۹
بهین	خَيْرٍ	الكهف، ۴۴ / القصص، ۲۶
بیارامانیدم	أَسْكَنْتُ	ابراهيم، ۳۷
بیخ اوران در دانش	الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ	آل عمران، ۷
بیرون شُرید / بُشُرید	فَانْبَجَسَتْ	البقرة، ۶۰ / الاعراف، ۱۶۰
بیزار	بَرِيءٌ	الانعام، ۱۹
بیزار نمی گردانم	مَا اُبْرِيءُ	يوسف، ۵۳
بیزارانید	بَرِيءُونَ	يونس، ۴۱
بیزاری	بِرَاءَةٌ	التوبة، ۱
بیزاری کردیمی	فَتَبَّرَأَ	البقرة، ۱۶۷
بیزاری کنند / بیزار شد	تَبَّرَأَ	البقرة، ۱۶۶ / التوبة، ۱۱۴
بیگ	بل، لکن	البقرة، ۱۲
بی نفع بدهنر	الْعَقِيمِ	الذاریات، ۴۱
بی نماز زنان	الْمَحِيضِ	البقرة، ۲۲۲
بی نمازی	الْمَحِيضِ	طلاق، ۴

البقرة، ۴۳ / البقرة، ۱۱۰ / الانبياء، ۷۳	الزَّكَاةُ/ الزَّكَاةِ	پاکی خواسته
التوبة، ۱۰۳	تُرْكِيهِمْ	پالائی گردانی ایشانرا
الانسان، ۲۷	الْعَاجِلَةَ	پانقد
البقرة، ۲۲۹	الطَّلَاقُ	پای گشاده کردن
طلاق، ۱	طَلَّقْتُمْ	پای گشاده کنید
قلم، ۴۰	رَعِيمٍ	پایندان
الحجر، ۲۷ / الرحمن، ۱۵	الْجَنَّ	پدر پریان
الانسان، ۷	النَّدْرِ	پذرفتها
الحج، ۲۳ / الانسان، ۱۲	حَرِيرًا/ حَرِيرًا	پرنیان
البقرة، ۱۰۲	اتباع	پس روی
البقرة، ۱۷۸	اتَّبَاعٌ	پس روی
النساء، ۱۵۷	اتَّبَاعَ	پس روی کردن
البقرة، ۱۰۲	اتَّبِعُوا	پس روی کردند
آل عمران، ۱۶۷	لَا تَتَّبِعْنَاكُمْ	پس روی کردیمی شما را
الانعام، ۱۰۶	اتَّبِعْ	پس روی کن
مریم، ۴۳	فَاتَّبِعْنِي	پس روی کن مرا
النساء، ۱۱۵	يَتَّبِعْ	پس روی کند
الاعراف، ۱۸	تَبِعَكَ	پس روی کند ترا
آل عمران، ۷	يَتَّبِعُونَ	پس روی کنند
یونس، ۳۴	يُتَّبِعْ	پس روی کنند او را
البقرة، ۱۲۰	تَتَّبِعْ	پس روی کنی
الانعام، ۱۵۰	لَا تَتَّبِعْ	پس روی مکن
النساء، ۱۳۵	لَا تَتَّبِعُوا	پس روی مکنید
هود، ۲۷	اتَّبِعَكَ	پس روی می کنند ترا

پند پذیرفتن	الدُّكْرَى	الدخان، ۱۳
پهن واماند	تَشَخَّصُ	ابراهیم، ۴۲
پهن واماند	بَرَقَ	القیامة، ۷
پیچ درآوردنی	لَيًّا	النساء، ۴۶
پیرایه	الْحِلْيَةِ	الزخرف، ۱۸
پیشاروز	الْأُمْسِ	القصص، ۸۲
پیوس دهم	لَأَمْنِيَّتِهِمْ	النساء، ۱۱۹
پیوس می دهد ایشانرا	يُمْنِيَّتِهِمْ	النساء، ۱۲۰
پیرسها	الْأَمَانِيَّيْ	الحديد، ۱۴
پیهای ایشان	آثَارِهِمْ	المائدة، ۴۶ / الصافات، ۷۰
تاسهای (= تاسه های)	عَمَرَاتِ	الانعام، ۹۳
تفت باد	إِعْصَارَ	البقرة، ۲۶۶
تفت باد	سَمُومٍ	الواقعة، ۴۲
تندیسها / تن دیسها	التَّمَائِيلُ / تَمَائِيلَ	الانبیاء، ۵۲ / سبأ، ۱۳
تُنک ترین دیبا	سُنْدُسٍ	الکھف، ۳۱
تُنک خردان	السُّفْهَاءُ	البقرة، ۱۴۲
توبه پذیرفت	تَابَ	المزمل، ۲۰
توش دهنده	وَهَاجًا	النبأ، ۱۳
جان بردار	تَوَفَّنَا	آل عمران، ۱۹۳
جان بردارد شما را	يَتَوَفَّكُمُ	الانعام، ۶۰ / السجدة، ۱۱
جان بردارند	يُتَوَفَّوْنَ	البقرة، ۲۳۴
جان بردارند	يُتَوَفَّى	الحج، ۵
جان بردارند او را	تَوَفَّنُهُ	الانعام، ۶۱
جان بردارند ایشانرا	تَوَفَّاهُمْ	النساء، ۹۷



جان برداشتی مرا	تَوَفَّيْتَنِي	المائدة، ۱۱۷
جُدا گفتمی	تَرْتِيلاً	الفرقان، ۳۲
جداجدا بگفتم آنرا	فَرَقْنَاهُ	الاسراء، ۱۰۶
جداجدا بگفتم آنرا	رَتَّلْنَاهُ	الفرقان، ۳۲
جیب پیراهن خود	فَرْجَهَا	الانبياء، ۹۱
چسبیدنی	مَيْلَةً	النساء، ۱۰۲
چسبیدنی	مَيْلًا	النساء، ۲۷
چسبیدنی (ب-)	بِالْحَادِ	الحج، ۲۵
چفته کرده	مَعْرُوشَاتِ	الانعام، ۱۴۱
چفته ناکرده	غَيْرِ مَعْرُوشَاتِ	الانعام، ۱۴۱
چفته‌های آن (= چفته‌های آن)	عُرُوشِهَا	الکهف، ۴۲
خان ومانهای ایشان	أَهْلِيهِمْ	الفتح، ۱۲
خایسکهائی	مَقَامِعُ	الحج، ۲۱
خدائیان	رَبِّيُونَ	آل عمران، ۱۴۶
خدائیان	رَبَّائِيَّيْنَ	آل عمران، ۷۹
خرامان بدنه	مَرَحًا	الاسراء، ۳۷
خُردمرد	دَكًّا / جُذَاذًا	الاعراف، ۱۴۳ / الانبياء، ۵۸
خندستان	سِحْرِيًّا	ص، ۶۳
خندستان کنند	يَسْتَسِحِرُونَ	الصافات، ۱۴
خندستانی می‌کنند	يَسْحَرُونَ	البقرة، ۲۱۲
خُنور و کالا (ب-)	أَثَانًا	مریم، ۷۴
خُنورها	أَثَانًا	النحل، ۸۰
خواندنی‌ای	قُرْآنٍ	یونس، ۶۱
خواهش گری	شَفَاعَةً	البقرة، ۴۸ / البقرة، ۲۵۴

خواهش گر	شَفِيعٌ	الانعام، ۵۱
خوش منشی کند	تَطَوَّعَ	البقرة، ۱۵۸
خوش منش گشت	طَوَّعَتْ	المائدة، ۳۰
خوش منشان	طَائِعِينَ	فصلت، ۱۱
خوش منشان	الْمُطَوَّعِينَ	التوبة، ۷۹
خوش منشان	فَاكِهُونَ / فَاكِهِينَ	یس، ۵۵ / الدخان، ۲۷
خوش منشی / خوش منشی (ب-)	طَوْعاً	آل عمران، ۸۳ / فصلت، ۱۱
دانژه	عَدَسٌ	البقرة، ۶۱
دانگوها	حَبِّ	ق، ۹
در رُوزشدگان	مُشْرِقِينَ	الشعراء، ۶۰
دراززبانی کنند بشما	سَلَفُوكُمْ	الاحزاب، ۱۹
درد زه	الْمَخَاضِ	مریم، ۲۳
دردزه	الْمَخَاضُ	مریم، ۲۳
درکه شکننده	الْحُطَمَةِ	الهمزة، ۴
درم خریده	مَمْلُوكًا	النحل، ۷۵
دریاوانید	أَوْحَىٰ	النحل، ۶۸
دریاوانیدیم	فَهَمَّنا	الانبياء، ۷۹
دژمنشی	كُرْهًا / كُرْهًا	آل عمران، ۸۳ / فصلت، ۱۱
دستورجنها / دستورنجنها	أَسْوَرَةً / أَسَاوِرَ	الزخرف، ۵۳ / الكهف، ۳۱
دشخواری و کستی	الْمُنْكَرَ	الحج، ۷۲
دستستی	رَفِيرًا / رَفِيرًا	الانبياء، ۱۰۰ / الفرقان، ۱۲
دنه (ب)	مَرَحًا	لقمان، ۱۸
دنه گرفته بودند	بَطِرَتْ	القصص، ۵۸

دَنَهْ گَرفته	أَشْرٌ	القمر، ۲۵
دُور دَر مَشوید	لَا تَغْلُوا	النساء، ۱۷۱
دُوسَنده	لَا زِبِ	الصفات، ۱۱
دِهَشپی	صَدَقَةٌ	المجادلة، ۱۲
دِیَا تُتَنک	سُنْدُسٍ	الدخان، ۵۳
دِیای سَبَّبر / دِیَا سَبَّبر	إِسْتَبْرَقِ	الکھف، ۳۱ / الدخان، ۵۳
رُودبار	الْوَادِي	الفجر، ۹
رودکدهها	أَوْدِيَّةٌ	الرعد، ۱۷
رُوزن	مِسْكَاةٍ	النور، ۳۵
روشنائی بخنوه آن	سَنَا بَرَقِهِ	النور، ۴۳
رِیزان تُتَد	مُنْهَمِرٍ	القمر، ۱۱
رِیزانیدَه	مُمَرِّقٍ	سبأ، ۷
زشت آسائی	الْبَغْضَاءِ	المائدة، ۱۴
زَفَتی	فَطًّا	آل عمران، ۱۵۹
سِبُوخَتَنی	دَعَا	الطور، ۱۳
سُتَرَنَدگان	مُحَلِّقِينَ	الفتح، ۲۷
ستوه مگردید	لَا تَسْأَمُوا	البقرة، ۲۸۲
ستوه نشود	لَا يَسْأَمُ	فصلت، ۴۹
سرانجمنان	الْمَلَأَ	الاعراف، ۶۰ / المؤمنون، ۲۴
سُر و زده	النَّطِيحَةُ	المائدة، ۳
سگالش	كَيْدٍ مَكْرٌ	آل عمران، ۱۲۰ / یونس، ۲۱
سُوهِی و دَمِشی	نَفْحَةٌ	الانبیاء، ۴۶
شادزوانها	زَرَابِيُّ	الغاشية، ۱۶
شپور	الصُّورِ	الانعام، ۷۳ / یس، ۵۱

البقرة، ۲۶ / الاحزاب، ۵۳	لا يَسْتَحْيِي (الله)	شَرْمِ گَرَمِ بازندازد
الفتح، ۹	تُوقَرُوهُ	شِكُّه دارید او را
الاعراف، ۱۵۷	عَزَّوَهُ	شِكُّه داشتند او را
المائدة، ۲	الْحَرَامَ	شکهمند
القدر، ۱	الْقَدْرِ	شکهمند
الاحزاب، ۶۹	وَجِيهًا	شکهمند
النمل، ۹۱	حَرَمَهَا	شکهمند کرد آنرا
النمل، ۳۴	أَعَزَّةَ	شکهمندان
يوسف، ۵۴	مَكِينٌ	شکهمندی
النساء، ۱۳۹	الْعِزَّةَ	شکهمندی و قوت
النساء، ۴۷	السَّبْتِ	شنید
الاعراف، ۱۶۳	لا يَسْتَيْتُونَ	شنید نداشتندی
الذاريات، ۸	مُخْتَلِفٍ	شوریده فاوا
النمل، ۱۹	أَوْزِعْنِي	فَادِلِ دِه مَرَا
الفتح، ۲۱ / طلاق، ۱۲	أَحَاطَ	فارسیده / فارسیدست بعلم
قلم، ۹	يُدْهِنُونَ	فاسازند با تو (تا-)
قلم، ۹	تُدْهِنُ	فاسازی با ایشان
طه، ۱۱۳	صَرَفْنَا	فاگردانیدیم
المرسلات، ۲۵	كِفَاتًا	فاهم آوردهئی
الاحقاف، ۱۵	أَوْزِعْنِي	فایاد دِه مَرَا
البقرة، ۲۳۳ / المومنون، ۶۲	وُسْعٍ	فراخ تُوَان
القمر، ۵۴	نَهْرٍ	فراخ ناها
البقرة، ۳۵	رَغَدًا	فراخواه
الذاريات، ۱۱	سَاهُونَ	فَرغول کاران

قافیت گفتن	الشَّعْرَ	یس، ۶۹
قافیت گوی	شَاعِرٌ	الانبیاء، ۵
قُرْآنِی	رَهْبَانِيَّةً	الحديد، ۲۷
کارببیرها	الْأَزْلَامُ	المائدة، ۹۰
کاردوی آن	طَلَعَهَا / أَكْمَامِهَا	الانعام، ۹۹ / فصلت، ۴۷
گراسها نبشته	قَرَّاطِيسَ	الانعام، ۹۱
گنشتها	صَلَوَاتٌ	الحج، ۴۰
گوراب	سَرَابٍ	النور، ۳۹
گوزکاران	الْحَاطِطُونَ / حَاطِئِينَ	یوسف، ۲۹ / القصص، ۸
کوژکاری	خَطِيئَةً	النساء، ۱۱۲
کوژکاری کردیم	أَخْطَأْنَا	البقرة، ۲۸۶
کوژکاریها	خَطَايَاكُمْ	البقرة، ۵۸
گوزی	تَفَاوُتٍ	ملک، ۳
کوشش کرد	جَاهَدَ	العنكبوت، ۶
کوشش کردند	جَاهَدُوا	آل عمران، ۱۴۲
کوشش کردند	يُجَاهِدُوا	التوبة، ۸۱
کوشش کنند	يُجَاهِدُونَ	المائدة، ۵۴
کوشش کنندگان	الْمُجَاهِدُونَ	النساء، ۹۵
کوشش کنید	جَاهِدُوا	المائدة، ۳۵ / الحج، ۷۸
کوههای بیخاور	رَوَاسِي	الرعد، ۳ / الانبیاء، ۳۱
گردکوشک	الصَّرْحَ	النمل، ۴۴
گزیت	الْحِزْيَةَ	التوبة، ۲۹
گشاده خوان	رَتَّلَ	المزمل، ۴
گشاده خواندنی	تَرْتِيلاً	المزمل، ۴

تحریم، ۱	أَحَلَّ	گشاده کرد
ص، ۵۰	مُفْتَحَةً	گشاده کرده
الحج، ۳۰	أُحِلَّتْ	گشاده کرده‌اند
الحجر، ۲۲	وَأَقِحْ	گشمن دهنده
هود، ۵۹	جَبَّارٍ	گشی
النساء، ۳۶ / لقمان، ۱۸	مُخْتَالًا / مُخْتَالٍ	گشی کننده
الانفال، ۴۷	بَطْرًا	گشی و ناز
جن، ۱	اسْتَمَعَ	گوش فداشتند
النور، ۵۹	الْحُلْمِ	گوشاسب دیدن
الکهف، ۸۶	حَمِيَّةٍ	لوش‌ناک
الحجر، ۲۶	حَمِيًّا	لوشی
الاسراء، ۶۲	أَحْتَكِرَنَّ	لوشه برکنم
آل عمران، ۷ / البقرة	مُتَشَابِهًا / مُتَشَابِهَاتٌ	مانسته
الانعام، ۹۹	مُشْتَبِهًا	مانسته
آل عمران، ۷	تَشَابَهَ	مانسته است
مریم، ۱۷	تَمَثَّلَ	مانسته شد
آل عمران، ۱۸۰ / الحديد، ۱۰	مِيرَاثٌ	مردماند
الاسراء، ۱	الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى	مزگت بیت المقدس
البقرة، ۱۴۴ / الحج، ۲۵	الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ	مزگت شکهمند
المائدة، ۵۴	أَعْرَظَ	منگاوران
البقرة، ۲۰۶ / ص، ۲	الْعِرْزَةَ / عِرْزَةً	منگی
مریم، ۸۳	تَوَزَّرُ	می اغالند
الطور، ۱۳	يُدْعُونَ	می سپوزند
البقرة، ۵۷ / البقرة	غَمَامًا / الْغَمَامِ	میغ

میغها	سَحَابًا	الاعراف، ۵۷
میغهای بارنده	الْمُعْصِرَاتِ	النبأ، ۱۴
ناروائی آن	كَسَادَهَا	التوبة، ۲۴
نازان	فَخُورٌ	هود، ۱۰
نازندگان	الْفَرِحِينَ	القصص، ۷۶
نازنده	فَخُورًا / فَخُورٍ	النساء، ۳۶ / لقمان
تَرَاب	الْمَوْجِ / مَوْجٍ	یونس، ۲۲ / النور، ۴۰
نژندان	أَذِلَّةً	النمل، ۳۴
نِزْنَهی	الدَّيْلَةَ	البقرة، ۶۱
نَسُو	زَلَقًا	الكهف، ۴۰
نَسُو بی نبات	جُرْزًا	الكهف، ۸
نَسُو کرده	مُمَرَّدٌ	النمل، ۴۴
نغوراب	الْعَرَقُ	یونس، ۹۰
نواگاه	مُرْتَفِقًا	الكهف، ۲۹ و ۳۱
نه! بیک	بَلَى	البقرة، ۸۱ / البقرة، ۱۱۲
نَهْمَار	لَمَّا	الفجر، ۱۹
نیوشنده	أُذُنٌ	التوبة، ۶۱
نیوشه کردن	السَّمْعَ	الحجر، ۱۸
نیوشه می کند	يَسْمَعُ	الانعام، ۲۵
نیوشه می کنند	يَسْتَمِعُونَ	الاسراء، ۴۷
نیوشه نکنند	لَا يَسْمَعُونَ	الصفات، ۸
ویستو نشود	مَا يَجْحَدُ	العنكبوت، ۴۷ و ۴۹ / لقمان، ۳۲
هاُمُون	الْعَرَاءِ	قلم، ۴۹
هاُمُون	صَعِيدًا	الكهف، ۸

هامون	قَاعاً	طه، ۱۰۶
هزینه کنند	أَنْفَقُوا	الفرقان، ۶۷
هزینه کنندگان	الْمُنْفِقِينَ	آل عمران، ۱۷
هوسپاس	شَكُورٌ	فاطر، ۳۰ / الشوری، ۲۳
هُوسپاس	شَاكِرًا / شَاكِرًا	البقرة، ۱۵۸ / النساء، ۱۴۷

### ویژگی‌های گویشی و آوایی

جایگزینی آوایی در کلمات فارسی امری متداول در متون فارسی سده‌های پنجم و ششم هجری است. جایگزینی «ب» و «و»، جایگزینی «ف» و «و»، و جایگزینی «ب» و «ف» در واژه‌های فارسی کهن از شایع‌ترین این موارد است. نمونه‌های متعددی از این ابدال گویشی را در کلمات زیر در ترجمه فارسی زعفرانی (نسخه موزه رضا عباسی) می‌توان یافت: آتش براوروز (= اَوْقِدْ) / از راه بیوکندی مرا (= اَغْوَيْتَنِي) / آشتی اوکنید (= اَصْلِحُوا) / افزونیهای براورزده (= اَضْعَافاً مُضَاعَفَةً) / اوزون گردد (= يَرْبُوا) / اوزون تر (= اَرْبِي) / اوزونی (= اَضْعَافاً) / اوزونی (= بَسْطَةً) / اوزونی باز دهد (= فَيَضَاعِفَ) / اوزونی کرامت (= الْفَضْلُ) / اوزونی نهادن (= تَفْضِيلاً) / اوسانها (= اَسَاطِيرُ) / اوکند (= اَلْقَى) / اوکنده مُرده (= الْمَوْقُودَةُ) / اوکنندگان (= الْمُؤَلِّقِينَ؛ مُلْقُونَ؛ الْمُؤَلِّقَاتِ) / اوکنده‌اید (= مُلْقُونَ) / باز اوکند (= نَبَذَ) / بخصومت میوکنید (= تَدَلُّوا) / بر بالا اوکنیم ترا (= نُنَجِّيكَ) / براوروزخت (= اسْتَوْقَدَ) / براوروزخته (= الْمَوْقِدَةُ) / براوروزند (= اَوْقِدُوا) / براوکنند (= يَرْمِ) / براوکنند آنرا (= اَلْقَاءُ) / برفروزدی (= يُضِيءُ) / بزغ (= الصَّفَادِعَ) / بیاود (= تَجِدُ) / بیاوندا (= وَلْيَجِدُوا) / بیاوندی (= يَجِدُونَ) / بیاوید (= تَجِدُوهُ) / بیوزا ویرا (= زِدَهُ) / بیوزاید (= لِيَزِيدَنَّ) / بیوزاید (= يَزِيدُ) / بیوزاید (= رَبَتْ) / بیوزاید ایشانرا (= يَزِيدُهُمْ) / بیوزاید ایشانرا (= زَادَهُمْ) / بیوزاید ایشانرا (= زَادَهُمْ) / بیوزاید شما را (= يَزِدْكُمْ) / بیوزایم شما را (= لِأَزِيدَنَّكُمْ) / بیوزایند (= اَزْدَادُوا) / بیوزایند (= يَزِيدُونَ) / بیوزایم (= نَزِيدُ) / بیوزایم (= نَزْدَادُ) / بیوزود ایشانرا (= فَرَادَهُمْ) / بیوزود ایشانرا (= زَادَتْهُ) / بیوزودند (= اَزْدَادُوا) / بیوفتند (= وَقَعَتْ) / بیوکن (= اَلَّتِي) / بیوکن (= اَنْبَدُ) / بیوکند (= نَبَذَ) / بیوکند (= اَلْقَى) / بیوکند او را (= تَلَّهُ) / بیوکندند (= اَلْقِي) / بیوکندند (= اَلْقُوا) / بیوکند آنرا (= تُنْمِي) / بیوکنی (= تَلْقِي) / بیوکنید (= اَلْقُوا) / بیوکنید او (= اَطْرَحُوهُ) / تا بیویازند



(= لِيَزِدُوا) / حَوْه كُنْدَا خود را (= لِيَقْطَعُ) / دراو كند (= يُوقِعُ) / دراو كندی (= اَلْقَى) / دراو كندیم (= اَلْقَيْنَا) / دراو كنم (= اَلْقِي) / دراو كند (= اَلْقُوا) / دراو كندید او را (= اَلْقَوْهُ) / دراو كنیم (= نَلْقِي) / درنمی یاوید (= لَا تَقْفَهُونَ) / درنمی یاویم (= مَا نَقْفُهُ) / زوانه (= شُواظُ) / زور (= فَوْقُ) / زور آن (= عَالِيَهَا) / زور شما (= فَوْقَكُمْ) / سایه وان كرديم (= ظَلَلْنَا) / سوزیها (= خَصِرًا) / می اوزائیم (= زِدْنَاهُمْ) / می براو زوزید (= يُوقِدُونَ) / نگهدانی (= حَفِيظًا) / نیوزودندی شما (= مَا زَادُوكُمْ) / وخشایش (= مغفرة) / ویزار كردگان (= مُبْرَأُونَ) / ویزازم (= بَرِيءٌ) / ویزارنامه (= براءة).

### يكدستی و هماهنگی ترجمه

يكي ديگر از ويژگي هاي ترجمه فارسي زعفراني آن است كه وي كوشيده است براي واژه هاي يكسان در سراسر قرآن، معادل هاي يكسان و يكدست فارسي اختيار كند. بررسي اين موارد در تفسير سوراآبادي نشان مي دهد كه چنين هماهنگي و يكدستي در اصل كار سوراآبادي وجود نداشته است، اما زعفراني كوشيده است اين امر را در ترجمه خود رعايت كند. چند نمونه از اين يكدستي اينهايند: من دونه (=از فرود او)، لكن / بَل (= بيك)، نعمت (= نكوداشت)، حميد (= ستوده)، ايمان (= گرويدن)، غيب (= ناپيدا)، حق (= سزا)، شاكِر "در وصف خدا" (= هوسپاس)، شاكِر "در وصف انسان" (= سپاس دارنده)، ذو/ اولوا (= خداوند)، احسان (= نيكوي)، مسّ (= بسودن)، حرام در المسجد الحرام و المشعر الحرام (= شِكْهُمَنْد)، ساحر (جادو)، سحر (جادوي)، جهاد (= كوشش)، اتّباع (= پَس روي)، نهى (= بازد كردن)، انفاق (= هزينه كردن)، اصلاح (= بسامانيدن)، تَوْفَى (= جان برداشتن).

### ترجمه اعلام خاص قرآني

ترجمه اعلام خاص قرآني به زبان فارسي يكي ديگر از ويژگي هاي خاص ترجمه زعفراني است. اين امر در پاره اي از ترجمه هاي كهن قرآني و نسخه هاي بجا مانده از

۱. زعفراني تمام واژه هاي استدراك چون لكن، و بل را در سراسر متن حاضر به صورت يكنواخت به "بيك" ترجمه مي كند. در برخي موارد، آن را بيك يا پيك اعراب گذاري کرده كه نشان مي دهد بايد آن را به كسر اول بخوانيم. دهخدا (لغت نامه، ذيل واژه) مي نويسد: بيك اصل كلمه ليك است و باء به لام تبديل شده است. براي بحثي تفصيلي و ريشه شناختي در اين باره نك. مقاله «لِكَنَّ» از يحيى ماهيار نوابي، در مجموعه مقالات، به كوشش محمود طاووسي، انتشارات مؤسسه آسيابي دانشگاه پهلوي شيراز، ۲۵۳۵، ص ۳۴۵-۳۵۰.

آنها کمابیش دیده می‌شود و رد پای آن را در نخستین برگردان پارسی قرآن یعنی ترجمه تفسیر طبری نیز می‌توان یافت،<sup>۱</sup> اما گستردگی آن در کار زعفرانی، ترجمه فارسی وی را از این جهت متمایز ساخته است. یکی از شگفت‌ترین این موارد، ترجمه نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم به «ستوده» است. این امر بنا به اطلاع نگارنده تنها در نسخه‌ای متاخر از ترجمه‌های قرآنی متعلق به قرن نهم هجری (ش ۹۲۴ در آسان قدس رضوی) روی داده است.<sup>۲</sup> جدول زیر شماری از مهم‌ترین مواضع ترجمه اعلام خاص قرآنی در برگردان زعفرانی (نسخه موزه رضا عباسی) را نشان می‌دهد.

اصل دیده‌ها	أُمَّ الْقُرَى	الانعام، ۹۲
آن بیشه	الْأَيْكَةِ	ص، ۱۳
اهل آن بالاها	أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ	الاعراف، ۴۶
اهل آن بیشه	أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ	الحجر، ۷۸ / ص، ۱۳
اهل آن چاه	أَصْحَابَ الرَّسِّ	الفرقان، ۳۸
اهل آن دیه‌های زیر و زبرشده	الْمُؤْتَفِكَاتُ	الحاقه، ۹
اهل آن غار	أَصْحَابِ الْكَهْفِ	الکهف، ۹
اهل حجر	أَصْحَابُ الْحِجْرِ	الحجر، ۸۰
اهل دیه	قَرْيَةٍ	الانبياء، ۶
اهل کتاب	أَهْلَ الذِّكْرِ	النحل، ۴۳ / الانبياء، ۷
اهل مکه	أُمَّ الْقُرَى	الشوری، ۷
بزرگوار	نَبِيِّ	الحج، ۵۲

۱. موارد زیر در ترجمه تفسیر طبری یا همان ترجمه رسمی یافت می‌شود: برگردان روح القدس به جبریل؛ اسرائیل به یعقوب؛ ذالنون به خداوند ماهی؛ اصحاب الاخدود به خداوندان کنده یا اهل خندقها؛ اصحاب الایکه به خداوندان بیشه؛ نُبُع به گروه پی‌رو؛ زبور به کتاب یا نوشته.

۲. فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۳۲۳.

بزرگوار دیرینه	الْعَتِيقِ	الحج، ۲۹
بهشتهای پایستگی	جَنَّاتِ عَدْنٍ	مریم، ۶۱
پیغمبران بر آن برفته	طَوَى	طه، ۱۲
جان پاکیزه	رُوحِ الْقُدُسِ	البقرة، ۸۷ و ۲۵۳
جایگاه کعبه	بَكَّةَ	آل عمران، ۹۶
خداوند آن دو گیسو	ذِي الْقَرْنَيْنِ	الکھف، ۸۳
خداوند پایندانی	ذَا الْكِفْلِ	الانبیاء، ۸۵ / ص، ۴۸
خداوند ماهی	ذَا النُّونِ	الانبیاء، ۸۷
خداوندان آن چاه	أَصْحَابُ الرَّسِّ	ق، ۱۲
خداوندان بیسه	أَصْحَابُ الْاَيْكَةِ	الشعراء، ۱۷۶
درگردیده شهرها	الْمُؤْتَفِكَاتِ	التوبة، ۷۰
ریگ تودها	الْأَحْقَافِ	الاحقاف، ۲۱
ستوده	مُحَمَّد	الاحزاب، ۴۰
سپردۀ پیغمبران	طَوَى	النازعات، ۱۶
کوه آراسته	طُورِ سَيْنَاءَ	المؤمنون، ۲۰
مرد مردانه	طه	طه، ۱
مزگت بیت المقدس	الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى	الاسراء، ۱
مزگت شگهمند	الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ	البقرة، ۱۴۴ / الحج، ۲۵
مکیان نانویسندگان	الْأُمِّيِّينَ	جمعة، ۲
نومید	إِبْلِيسَ	الاعراف، ۱۱ / ص، ۷۴
نوی	قُرْآنًا	جن، ۱

### جوانب کلامی ترجمه

یکی از جوانب ناگزیر در هر ترجمه قرآنی دیدگاه‌های کلامی مترجم است. ترجمه قرآن در واقع نوعی تفسیر کوتاه است. اما هر اندازه مترجم بخواهد در بازآفرینی فارسی آیات قرآنی به صورت خنثی عمل کند و رویکرد کلامی خود را پنهان کند، این امر سرانجام در پاره‌ای مواضع خود را نیک نشان می‌دهد. مثلاً می‌دانیم که خواجه عبدالله انصاری (م ۴۸۱ ق) صوفی حنبلی بوده است و در باورهای اعتقادی خود سخت به ظواهر قرآن از جمله نسبت تجسیم و رویت عینی خداوند قائل بوده است. از همین رو، در ترجمه نوبت اول کشف الاسرار (فراهم آورده رشیدالدین ابوالفضل میبیدی) که تعدیل یافته ترجمه فارسی خواجه عبدالله انصاری است، نشانه‌هایی روشن از این باورهای کلامی را می‌توان یافت. گرایش کلامی دیگر مترجمان و مفسران پارسی نویس قرآن، چون ابوالمظفر اسفراینی در تاج التراجم نیز مشهود است.

ابوبکر عتیق نیشابوری، معروف به سورابادی (درست‌تر: سورابانی) از مفسران فارسی گوی نیشابور در قرن پنجم هجری است که مانند بسیاری دیگر از معاصران خود تعلق خاطری به کرامیه خراسان داشته است. با این همه، باید به خاطر داشت که باورهای اصلی کرامیان به ندرت از طریق آثار خود ایشان به دست ما رسیده است؛ به عکس، گزارش این آراء و عقاید غالباً در آثار مخالفان ایشان و به صورتی محرف یا غلوآمیز نقل و بررسی و رد شده است. با توجه به اثر پذیری ترجمه زعفرانی از تفسیر سورآبادی، اکنون می‌توان برخی از نمونه‌های زیر را حاصل دقت‌ها و دغدغه‌های کلامی زعفرانی در این اثر دانست. روشن است که در برخی موارد چون «استوای الهی بر عرش»، زعفرانی خود به تعدیل در پاره‌ای عبارات کلامی برگرفته از تفسیر سورآبادی دست زده باشد. و برخی دیگر نیز علی العموم مورد نظر اغلب مفسران و مترجمان پارسی نویس در قرون پنجم و ششم هجری بوده باشد.

### انتساب افعال منفی مکر و خدعه و استهزاء به خدا

در آیاتی از قرآن کریم، افعالی با بار معنایی منفی (مانند خدعه، مکر، سخره و استهزاء) به گونه یکسان به خدا و بشر نسبت داده شده است. زعفرانی در اغلب موارد، این افعال را به صورتی ترجمه می‌کند که چنین افعالی به صراحت به خداوند منتسب نشود. فی المثل مترجم فعل «خدعه» را به خداوند نسبت نمی‌دهد، و در ترجمه «وَهُوَ خَادِعُهُمْ» از تعبیر «مکافاتِ خدعه» بهره می‌برد. ترجمه‌های زیر از این دست است:

﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ (آل عمران، ۵۴): و بسگالیدند و تدبیر کرد  
خدای و خدای بهترین تدبیر کنندگانست.

﴿اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ﴾ (بقره، ۱۵): خدای مکافات کند فسوس کردن ایشانرا  
﴿إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ﴾ (نساء، ۱۴۲): بدرستی ناگرویدگان  
می فریب آرند با خدای و او مکافات کننده ایشانست (بدان خداع).

﴿أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (اعراف، ۹۹): آیا بی بیم  
شدند از تدبیر نهانی خدای؟ بی بیم نباشد از مکر خدای مگر گروه زیانکاران.  
﴿وَيَمَكُرُونَ وَيَمَكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ (انفال، ۳۰): و می سگالیدند و  
همی ساخت خدای و خدای بهترین سازندگانست.

﴿سَخَّرَ اللَّهُ مِنْهُمْ﴾ (توبه، ۷۰): مکافات سخره باز کند خدای ایشانرا.  
﴿إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا﴾ (یونس، ۲۱): همی ایشانرا سگالشی بود  
در آیتهای ما؛ بگویی که خدای زود رساننده ترست مکافات مکر ایشانرا.  
﴿وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا﴾ (رعد، ۴۲): و بسگالیدند آنها که از  
پیش ایشان بودند، خدایرا است تدبیر همه.

﴿وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرَنَا مَكْرًا﴾ (نمل، ۵۰): و بسگالیدند سگالیدنی و دررسانیدیم  
دریشان جزای سگالش دررسانیدنی.

﴿إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا\* وَأَكِيدُ كَيْدًا﴾ (طارق، ۱۵-۱۶): ایشان می سگالند سگالشی  
و من تدبیر می کنم کاری را.

همچنین در دو آیه از قرآن، عدم استحياء به خداوند منتسب شده است: بقره، ۲۶ و  
احزاب ۵۳. زعفرانی به پیروی از سورآبادی، برای پرهیز از استناد «عدم حیا» به خداوند  
در این موارد، به جای «شرم ندارد» از اصطلاح «شرم گرم ندارد» بهره گرفته است. سایر  
مترجمان کهن چنین نکرده اند.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً﴾ (بقره، ۲۶): خدای را باز ندارد شرم  
گرم از آن که زند داستانی که آن بپشه ای.

﴿إِنَّ دَلِيلَكُمْ كَانَ يُؤَدِّي النَّجِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ﴾ (احزاب، ۵۳): آن تان  
بود که برنجاند پیغمبر را، شرم دارد از شما، و خدایرا شرم گرم باز ندارد از پدید کردن حق.

۱. مترجم برای پرهیز از استناد «عدم حیا» به خداوند، در اینجا و در جایی دیگر (بقره، ۲۶) به جای «شرم  
ندارد» از اصطلاح «شرم گرم ندارد» بهره گرفته است. سایر مترجمان کهن چنین نکرده اند. نک. فرهنگنامه  
قرآنی، ۱۷۵۹/۴. زعفرانی در کتابت نسخه آنکارا (گ ۲۳۰ الف) تنها نوشته است: «و خدای شرم ندارد از

### ترجمه افعال اتقوا الله واحذروه:

در مواردی در قرآن به صراحت گفته شده است که از خداوند بترسید (بخش الله)، از او حذر کنید (احذروه) یا از او بپرهیزید (اتقوا الله). در اغلب این موارد، گمان مترجم آن است که متعلق این افعال، خود خداوند نیست، بلکه باید از آزردن خدای حذر کرد، و ترسید، و پرهیخت. وی به دلیلی کلامی — احتمالاً به سبب اطلاق کلمه نفس بر خدای — در این مواضع، «پرهیز یا حذر از خدا» را به «پرهیز از آزار خدای» ترجمه می‌کند. نمونه‌های زیر تلاش مترجم را در برگردان آیاتی چند از قرآن با مضمون فوق نشان می‌دهد.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ﴾ (بقره ۲۳۵): و بدانید که خدای داند آنچه در تنهای شما است؛ بپرهیزید از آزار وی.

﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾ (آل عمران، ۲۸): و می‌پرهیزد شما را خدای از آزار خود.

﴿وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾ (آل عمران، ۳۰): و می‌پرهیزد شما را خدای از آزار

خود.

﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ (آل عمران، ۵۰): بپرهیزید از آزار خدای و فرمان من برید.

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ (نور، ۵۲): و هر که

فرمان برد خدایرا و پیغمبر او را، و بترسد از خدای و بپرهیزد از آزار او، ایشانند کایشان رستگارانند.

### ترجمه فعل عَلِمَ (دانست) در مورد خدا

در بسیاری از آیات قرآنی فعل «عَلِمَ» به صورت ماضی یا «يَعْلَمُ» به صیغه مضارع به خداوند نسبت داده شده است. ترجمه عادی این گونه افعال در مورد خداوند، در ظاهر چنین تصویری را پیش می‌آورد که علم خداوند در گذشته و در زمانی خاص حاصل شده یا در زمانی در آینده حاصل خواهد شد. زعفرانی — به تبع سورآبادی — برای پرهیز از شبهه «حدوث علم الهی»، در این آیه و نمونه‌های مشابه، از تعبیری چون «هست داند خدای» یا «معلوم خدا هست شود» بهره می‌گیرد. نمونه‌های زیر از این قبیل‌اند:

﴿وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ (آل عمران، ۱۴۰): و تا هست داند خدای آنها را که

بگرویدند.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران، ۱۴۲): یا چی پنداشتید که درشوید در بهشت و دانسته خدای پدید نیامده که آن کسها که کوشش کردند از شما، و هست داند شکیبانرا؟

﴿وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقَى الْجُمُعَانَ فَيَأْذِنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ \* وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا﴾ (آل عمران، ۱۶۶ و ۱۶۷): و آنچه بشما رسید آن روز که فراهم رسیدند آن دو گروه، بفرمان — یعنی بقضای — خدای بود و تا بداند گرویدگانرا \* و تا بداند — یعنی هست داند — آنها را که دورویی کردند.

﴿لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَخْفَاهُ بِالْغَيْبِ﴾ (مائده، ۹۴): تا هست داند خدای آن کس را که بترسد از او بناپیدانی.

﴿وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ﴾ (توبه، ۱۶): و ندیده باشد خدای آنها را که کوشش کردند از شما

﴿فَلِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلِيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ﴾ (عنکبوت، ۳): تا هست داند خدای آنها را که راست گفتند و تا هست داند دروغ زنانرا.

﴿وَلِيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلِيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ﴾ (عنکبوت، ۱۱): و تا هست داند خدای آنها را که بگرویدند و تا هست داند دورویانرا.

﴿وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا لِيَعْلَمَ مَنْ يُوْمِنُ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ﴾ (سبا، ۲۱): و نبود او را بریشان هیچ دستی و قوتی مگر که تا معلوم ما هست شود که کیست که بگروید بدان جهان از آن کس که او باشد از آن در گمان.

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ﴾ (محمد، ۳۱): و هرآینه آزمون کنیم شما را تا هست دانیم جهاد کنندگانرا از شما و شکیبانرا، و آشکارا کنیم خبرهای شما.

﴿وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ﴾ (حدید، ۲۵): و تا هست داند خدای آنرا که نصرت کند او را.

۱. این تنها موردی است که مترجم در برگردان علم الهی از واژه دیدن استفاده می‌کند. در موارد مشابه، مترجم برای پرهیز از شبهه «حدوث علم الهی»، از تعبیری چون «هست داند خدای» یا «معلوم خدا هست شود» بهره می‌گیرد. نک: آل عمران، ۱۴۰ / آل عمران، ۱۴۲ / آل عمران، ۱۶۶-۱۶۷ / مائده، ۹۴ / عنکبوت، ۳ / عنکبوت، ۱۱ / سبا، ۲۱ / محمد، ۳۱ / حدید، ۲۵.

### پرهیز از تجسیم:

آیات تقریباً اغلب آیات موهّم جسمیت خدا، به گونه‌ای ترجمه شده است که تجسیم از ذات خداوند دور بماند. این امر شامل آیاتی می‌شود که در آنها تعبیری چون دست خداوند، آمدن خداوند، استوای الهی بر عرش، لقاء و رویت خداوند، رفتن به سوی خداوند و مانند آن آمده است. زعفرانی گاه با افزودن چیزی یا کاستن معنایی، می‌کوشد هیچ یک از این اوصاف ظاهری به خداوند نسبت داده نشود. مثال‌های زیر از این دست است:

﴿قُلْ إِنَّ الْفُضْلَ بِيَدِ اللَّهِ﴾ (آل عمران، ۷۳): بگوی که اوزونی کرامت بخدا است.  
﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ﴾ (مانده، ۶۴): بیک ید او یعنی نعمت او گسترانیده است بر خلق.

﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ﴾ (انعام، ۳۰): وگر ببینی تو چون بدارند ایشانرا بشمار بارخدای ایشان.<sup>۱</sup>

﴿قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ﴾ (انعام، ۳۱): زیان کردند آنها که بدروغ داشتند بازرسیدن با قیامت — و گفته‌اند دیدار خدای.

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ﴾ (کهف، ۱۱۰): هرکه بود که می‌امید دارد بباز رسیدن با خدای او — و گفته‌اند بدیدار خدای او.

﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ﴾ (کهف، ۱۰۵): ایشانند آنها که کافر شدند بنشانهای خدایشان و بازگشتن با وی — بقیامت، و گفته‌اند بدیدار وی.

﴿قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ (مومنون، ۸۸): بگوی که کیست که بفرمان اوست و او را است پادشاهی هر چیزی.

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ﴾ (فاطر، ۱۰): هر کس که باشد که خواهد ارجمندی و غلبه، خدایا است قهر و ارجمندی همه؛

بر محل حکم وی برشود سخنان خوش و پاکیزه و کردار نیک بردارد آنها.  
﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ﴾ (یس، ۵۱): و در دمند در

شپور، همی ایشان از گورها سوی حکم خدای ایشان می‌پویند  
﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا﴾ (یس، ۷۱): آیا نگه نکردند که ما

۱. افزودن کلمه «شمار» در ترجمه فارسی نشان از دیدگاه کلامی مترجم دارد. در نسخه آنکارا (گ ۷۰ ب)،

نیز چنین آمده است: «چون بدارندشان بر شمار بارخدای ایشان.»



بیافریدیم مر ایشانرا بدانچه کرد آیدی ما — یعنی آنچه ما کردیم بقدرت ما — از چهار پایان.  
 ﴿فَسُبْحَانَ الَّذِي يَبْدِيهِ مَلَكُوتَ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (یس، ۸۳): پاکست آن که  
 بقدرت اوست پادشاهی هر چیزی و با وی گردانند شما را.  
 ﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي﴾ (صافات، ۹۹): و گفت: منم شونده سوی عبادت خدای  
 من.

﴿وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ﴾ (زمر، ۶۷): و آسمانها درنوشته بود بقدرت او.  
 ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح، ۱۰): نُصِرَتِ خدای زور بیعتهای ایشانست.  
 ﴿وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ﴾ (الرحمن، ۴۶): و مر هر کرا بترسد از ایستادن جای  
 شمار خدای وی، دو بهشت بود.

﴿وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ﴾ (حدید، ۲۹): و افزونی کرامت بحکم خدا است.  
 ﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (ملک، ۱): بابرکتست و بادوام آن  
 خدای [که] بدوست<sup>۱</sup> پادشاهی، و اوست بر هر چیز توانا.  
 ﴿قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ﴾ (جن، ۲۲): بگوی که من آنم که نرہاند مرا از  
 عذاب خدای هیچ کس.

﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ﴾ (نازعات، ۴۰): و اما آن که بترسد از ایستادن جای پیش  
 خدای او.<sup>۲</sup>  
 ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾ (فجر، ۲۲): و فرادآوری آید خدای تو<sup>۳</sup> و فریشتگان  
 بایستند رسته رسته.

﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾ (بقره، ۲۹): پس قصد کرد بآفریدن آسمان،<sup>۴</sup>  
 ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ﴾ (طه، ۵): خداوند مهربان بر آفریدن عرش اقبال کرد.  
 ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾ (اعراف، ۵۴/ یونس، ۳/ رعد، ۲/ فرقان، ۵۹/ سجده، ۴/  
 حدید، ۴): پس اقبال کرد بر آفریدن عرش.<sup>۵</sup>

۱. حذف کلمه «دست» از ترجمه فارسی، و توضیح و تفسیر «ید الله/ دست خدا» به «خدا» به سبب  
 دغدغه‌های کلامی مترجم است که می‌خواهد از تجسیم خداوند دوری کند.  
 ۲. در نسخه آنکارا (گ ۳۲۲ الف)، چنین آمده است: «و اما آن کس بترسد از ایستادن جای شمار خدای او.»  
 ۳. در نسخه آنکارا (گ ۳۲۷ ب) چنین آمده است: «و فراد شمار خلق آید خدای تو.»  
 ۴. مترجم برای پرهیز از تجسیم خداوند، تعبیر استویٰ اِلَى السَّمَاءِ را به «قصد آفرینش آسمان» ترجمه  
 می‌کند. نمونه دیگر: فصلت، ۱۱.  
 ۵. درباره ترجمه این دسته از آیات، پیشتر هنگام بحث راجع به هویت ابوالفخر زعفرانی، توضیح داده‌ام.

### قرائات مختلف در ترجمه قرآن زعفرانی

یکی از مسائل مهم در ترجمه‌های فارسی کهن از قرآن کریم، عدم تطابق آنها با قرائت رایج امروزی (حفص از عاصم) است. هیچ یک از ترجمه‌ها و تفاسیر کهن فارسی از آغاز (ترجمه تفسیر طبری) تا چند سده بعد بنا به روایت حفص از قرائت عاصم صورت نگرفته است. علت این امر آن است که اساساً قرآن نویسی و مصحف نگاری در ایران و دیگر نقاط جهان اسلام تا چندین قرن بر اساس این قرائت انجام نمی‌گرفته است. قرائت متبّع در این مصاحف عمدتاً ترکیبی از چند قرائت بوده که منشأ آن، یکی از اختیارهای قرائی کهن (مانند اختیار ابو عبید یا اختیار ابوحاتم) بوده است. در مواردی نیز می‌توان قرائت مستقل ابو عمرو، کسائی، ابوبکر از عاصم، و در مغرب اسلامی، قرائت نافع را نیز یافت.

قرآن مترجم زعفرانی نیز همانند تمام ترجمه‌ها و تفاسیر فارسی تا قرن هشتم هجری، از این رویه رایج در جهان اسلام مستثنا نبوده است.<sup>۱</sup> نه متن قرآن مطابق با قرائت حفص از عاصم کتابت شده است و نه برگردان فارسی آیات مطابق کامل با قرائت حفص از عاصم انجام یافته است. در اغلب مواردی که متن قرآن به قرائتی غیر حفص کتابت شده، ترجمه فارسی آن نیز با همان قرائت مطابق است. با این همه، گاه به مواردی برمی‌خوریم که متن مطابق با قرائت حفص از عاصم کتابت شده، اما ترجمه فارسی با قرائتی غیر آن صورت گرفته است. جدول زیر به اختصار برخی از مهم‌ترین موارد اختلاف قرائت در متن قرآن و نیز در ترجمه فارسی زعفرانی را ارائه می‌دهد.

### جدول اختلاف قرائات

آدرس آیه	قرائت حفص از عاصم	قرائت موجود در نسخه	ترجمه فارسی نسخه
فاتحه، ۴۲	مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ	مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ	پادشاه روز جزا

۱. برای برخی از نمونه‌های مشابه می‌توان به ترجمه برخی از کلمات قرآنی چون بُشْرًا (اعراف، ۵۷/ فرقان، ۴۸/ نمل، ۶۳)، وَصْنَيْنِ (تکویر، ۲۴)، در فرهنگنامه قرآنی، ج ۱/ ص ۳۳۴ و ج ۳/ ص ۹۵۴ مراجعه کرد.  
 ۲. در متن نسخه مَلِک (مطابق قرائت نافع، ابن‌کثیر، ابو عمرو، ابن‌عمر و حمزه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

بقره، ۸۵ <sup>۱</sup>	تَّظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ	تَّظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ	هم پُشتی می کنید بریشان به بزّه
بقره، ۱۴۰ <sup>۲</sup>	أَمْ يَقُولُونَ إِنَّ	أَمْ يَقُولُونَ إِنَّ	یا همی گویند که
بقره، ۱۴۴ <sup>۳</sup>	عَمَّا يَعْمَلُونَ	عَمَّا تَعْمَلُونَ	از آنچه می کُئید
بقره، ۲۱۰ <sup>۴</sup>	وَالِلَّهِ تُرْجِعُ الْأُمُورَ	وَالِلَّهِ تُرْجِعُ الْأُمُورَ	و با خدای گردد کارها
بقره، ۲۵۹ <sup>۵</sup>	قَالَ أَعْلَمُ	قَالَ إِعْلَمُ	گفت: بدان
بقره، ۲۷۱ <sup>۶</sup>	وَيُكْفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ	وَنُكْفِرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ	و درگذاریم از شما از بدیهای شما
آل عمران، ۲۱ <sup>۷</sup>	وَيُقَاتِلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ	وَيُقَاتِلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ	و کارزار کنند آنها را که فرمایند بداد
آل عمران، ۴۸ <sup>۸</sup>	وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ	وَنُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ	و درآموزیم او را نامه

۱. در متن نسخه تَّظَاهَرُونَ (مطابق قرائت غیرکوفیان: نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و ابن عامر) با ظاء مشدّد آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست.
۲. در متن نسخه يَقُولُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۳. در متن نسخه تَعْمَلُونَ (مطابق قرائت ابن عامر، حمزه و کِسائی) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۴. در متن نسخه تُرْجِعُ (مطابق قرائت ابن عامر، حمزه و کِسائی) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۵. در متن نسخه إِعْلَمُ (مطابق قرائت حمزه و کِسائی) به صیغه امر حاضر آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. بعدها کسی قرائت اصل نسخه را به أَعْلَمُ تغییر داده است.
۶. در متن نسخه، وَنُكْفِرُ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کِسائی و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۷. در متن نسخه، وَيُقَاتِلُونَ (مطابق قرائت حمزه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. طبری در تفسیر خود (ذیل آیه) این قرائت را به برخی از قراء متأخر کوفه نیز منسوب می کند که احتمالاً مراد وی قراء است.
۸. در متن نسخه، وَنُعَلِّمُهُ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، و کِسائی) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

آل عمران، ۸۳۱	أَفَعَبِّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ	أَفَعَبِّرَ دِينَ اللَّهِ تَبْعُونَ	آیا بجز دین خدای دینی می جوئید
آل عمران، ۸۳۲	وَالَيْهِ يُرْجَعُونَ	وَالَيْهِ تُرْجَعُونَ	و با وی گردانند شما را
آل عمران، ۱۰۹۳	وَالِی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ	وَالِی اللَّهِ یُرْجَعُ الْأُمُورُ	و با خدای گردد کارها
آل عمران، ۱۱۵ <sup>۴</sup>	وَمَا یَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَلَنْ یُكْفَرُوهُ	وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَلَنْ تُكْفَرُوهُ	و آنچه کنید از نیکی، ناسپاسی نکنند
آل عمران، ۱۵۷ <sup>۵</sup>	خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ	خَیْرٌ مِمَّا تَجْمَعُونَ	بہتر از آنچه فراهم می آرید
نساء، ۱۲ <sup>۶</sup>	مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ یُوصِی بِهَا	مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ یُوصِی بِهَا	از پس اندرزی که اندرز کند بدان
نساء، ۲۴ <sup>۷</sup>	وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ	وَأَحَلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ	و گشاده کرد شما را آنچه جز اینست

۱. در متن نسخه، تَبْعُونَ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۲. در متن نسخه، تُرْجَعُونَ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت یُرْجَعُونَ از منفردات حفص از عاصم است.
۳. در متن نسخه، تُرْجَعُ (مطابق قرائتِ ابن عامر، حمزه و کِسائی) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۴. در متن نسخه، وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَیْرٍ فَلَنْ تُكْفَرُوهُ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۵. در متن نسخه، تَجْمَعُونَ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت یَجْمَعُونَ از منفردات حفص از عاصم است.
۶. در متن نسخه، یُوصِی بِهَا (مطابق قرائتِ نافع، ابوعمرو، حمزه، و کِسائی) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۷. در متن نسخه، وَأَحَلَّ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

نساء، ۱۴۰ <sup>۱</sup>	وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ	وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ	و بدرستی فرود فرستادند بر شما
مائده، ۱۰۷ <sup>۲</sup>	اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمْ	اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمْ	سزاوار شدند بر ایشان
نساء، ۱۵۲ <sup>۳</sup>	سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ	سَوْفَ نُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ	زود بود که بدهیم ایشانرا مُرَدَّهاشان
انعام، ۶۳ <sup>۴</sup>	لَيْنَ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ	لَيْنَ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ	گر برهانی ما را ازین هولها
انعام، ۱۲۴ <sup>۵</sup>	اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ	اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَاتِهِ	خدای داناتر که کجا کند پیغامهای او
انعام، ۱۲۸ <sup>۶</sup>	وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا	وَيَوْمَ نُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا	و آن روز که بینگیزیم ایشانرا همه
اعراف، ۱۱۷ <sup>۷</sup>	تَلَقُّفٌ مَا يَأْفِكُونَ	تَلَقُّفٌ مَا يَأْفِكُونَ	فرود می‌برد آنچه فرابافته بودند

۱. در متن نسخه، وَقَدْ نَزَّلَ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه و کِسائی) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۲. در متن نسخه، اسْتَحَقَّ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائتِ اسْتَحَقَّ از منفردات حفص از عاصم است.
۳. در متن نسخه، سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعبه) به صیغه متکلم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائتِ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ از منفردات حفص از عاصم است.
۴. در متن نسخه، أَنْجَيْنَا (مطابق قرائتِ قراء غیر کوفه: نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۵. در متن نسخه، رِسَالَاتِهِ (مطابق قرائتِ نافع، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی و عاصم به روایت شُعبه) به صیغه جمع آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۶. در متن نسخه، نُحْشِرُهُمْ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعبه) به صیغه متکلم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائتِ يُحْشِرُهُمْ از منفردات حفص از عاصم است.
۷. در متن نسخه، تَلَقُّفٌ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کِسائی و عاصم به روایت شُعبه) به صیغه ثلاثی مزید آمده است، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست. از میان قراء سبعة، تنها عاصم — بنا به روایت حفص — تَلَقُّفٌ (به صیغه ثلاثی مجرد) خوانده است. نیز بنگرید به: اعراف، ۱۱۷ / طه، ۶۹ / شعراء، ۴۵.

اعراف، ۱۶۹ <sup>۱</sup>	أَفَلَا تَعْقِلُونَ	أَفَلَا يَعْقِلُونَ	آیا نه خرد دارند؟
انفال، ۵۹ <sup>۲</sup>	وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا	وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا	و میندار که آنها که کافر شدند، از پیش بشدند
توبه، ۱۲ <sup>۳</sup>	فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ	فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ	کارزار کنید با پیشوآن کافری — کایشانند که ایمان نیست ایشانرا
یونس، ۲۴ <sup>۴</sup>	إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ	إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ	اینست جادوی ای هویدا
یونس، ۵ <sup>۵</sup>	يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ	پدید می کنیم نشانها مر گروهی را که بدانند
یونس، ۴۵ <sup>۶</sup>	وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ	وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ	و آن روز که بینگیزانیم ایشانرا
یونس، ۸۸ <sup>۷</sup>	لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ	لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ	تا گم می شوند از راه تو

۱. در متن نسخه، أَفَلَا يَعْقِلُونَ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کِسائی و عاصم به روایت شعبه) به صیغه غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۲. در متن نسخه، وَلَا تَحْسَبَنَّ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و کِسائی) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. بعدها کسی قرائت اصل نسخه را ناشیانه به وَلَا يَحْسَبَنَّ تغییر داده است.
۳. در متن نسخه، لَا أَيْمَانَ لَهُمْ (مطابق قرائت ابن عامر) به کسر همزه آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۴. در متن نسخه، لَسِحْرٌ مُّبِينٌ (مطابق قرائت نافع، ابوعمر، و ابن عامر) به کسر سین آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۵. در متن نسخه، نُفَصِّلُ (مطابق قرائت ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه متکلم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۶. در متن نسخه، نَحْشُرُهُمْ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه متکلم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت يَحْشُرُهُمْ از منفردات حفص از عاصم است.
۷. در متن نسخه، لِيُضِلُّوا (مطابق قرائت قراء غیر کوفه: نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر) از فعل لازم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

یونس، ۱۰۳ <sup>۱</sup>	كَذٰلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنٰجِ الْمُؤْمِنِيْنَ	همچنین سزا است بر ما که برهانیم گرویدگانرا
هود، ۴۰ <sup>۲</sup>	اِحْمِلْ فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اِثْنَيْنِ	بردار در کشتی از هر جفتی دو
هود، ۴۶ <sup>۳</sup>	اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ	او کردست کاری نه نیک
هود، ۱۰۸ <sup>۴</sup>	وَاَمَّا الَّذِيْنَ سَعَدُوا	و اما آنها که نیک بخت باشند
هود، ۱۲۳ <sup>۵</sup>	وَالِيْهِ يَرْجِعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ	و با وی گردد کار همه آن
یوسف، ۱۹ <sup>۶</sup>	قَالَ يَا بُشْرٰى هٰذَا عَلٰمٌ	گفت: ای مُژدگان مرا! این غلامیست
یوسف، ۱۰۹ <sup>۷</sup>	رِجَالًا نُّوحِيْ اِلَيْهِمْ	مردانی را که وحی می کردند بدیشان
یوسف، ۱۱۰ <sup>۸</sup>	فَنُنٰجِيْ مِنْ نَّشَآءٍ	برهانیم آنرا که خواهیم

۱. در متن نسخه، نُنَجِّي (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه و عاصم به روایت شعبه) آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست.
۲. در متن نسخه، مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) بدون تئوین و به صورت مضاف آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ از منفردات حفص از عاصم است.
۳. ترجمه فارسی بر اساس قرائت کِسائی (اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ) انجام شده و متن قرآن نیز ظاهراً بر همین اساس کتابت شده و بعدها به قرائت دیگر تغییر یافته است.
۴. در متن نسخه، سَعِدُوا (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۵. در متن نسخه، يَرْجِعُ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی و عاصم به روایت شعبه) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۶. در متن نسخه، يَا بُشْرٰى (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و ابن عامر) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۷. در متن نسخه، يُوحِيْ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مجهول و غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. نمونه دیگر، نحل، ۴۳.
۸. در متن نسخه، فَنُنٰجِيْ (مطابق قرائتِ نافع و ابن عامر) آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست.

رعد، ۱۷ <sup>۱</sup>	وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ	وَمِمَّا تُوقِدُونَ عَلَيْهِ	و از آنچه می‌برآوروزید بر آن
نحل، ۲۰ <sup>۲</sup>	وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ	وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ	و آنها که می‌خوانید از فرود خدای
نحل، ۴۳ <sup>۳</sup>	إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ	إِلَّا رِجَالًا يُوحَى إِلَيْهِمْ	مگر مردانی را که وحی می‌کردند بایشان
نحل، ۷۹ <sup>۴</sup>	أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الظَّيْرِ	أَلَمْ تَرَوْا إِلَى الظَّيْرِ	آیا نگه نکردید سوی مرغان
نحل، ۹۶ <sup>۵</sup>	وَلَيَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا	وَلَيَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا	و پاداش دهد آنها را که صبر کردند
اسراء، ۷ <sup>۶</sup>	لَيْسُوا وَا وَجُوهَكُمْ	لَيْسُوا وُجُوهَكُمْ	تا اندوهگن کند رویهای شما را
اسراء، ۲۳ <sup>۷</sup>	إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ	إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ	اگر برسند نزد تو بزرگی
اسراء، ۴۲ <sup>۸</sup>	كَمَا يَقُولُونَ	كَمَا تَقُولُونَ	چنان که می‌گویند

۱. در متن نسخه، تُوقِدُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۲. در متن نسخه، تَدْعُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر، حمزه، و کسائی) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۳. در متن نسخه، يُوحَى (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مجهول و غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. نمونه دیگر: یوسف، ۱۰۹.
۴. در متن نسخه أَلَمْ تَرَوْا (مطابق قرائت ابن عامر و حمزه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. بعدها کسی قرائت اصل نسخه را به أَلَمْ يَرَوْا (قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر و کسائی و عاصم) تغییر داده است.
۵. در متن نسخه، وَلَيَجْزِيَنَّ (مطابق قرائت نافع، ابوعمر و ابن عامر، حمزه و کسائی) به صیغه غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۶. در متن نسخه، لَيْسُوا (مطابق قرائت ابن عامر، حمزه، کسائی و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مفرد آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۷. در متن نسخه، يَبْلُغَنَّ (مطابق قرائت حمزه و کسائی) به صیغه تشبیه آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۸. در متن نسخه، تَقُولُونَ (مطابق قرائت نافع، ابوعمر و ابن عامر، حمزه، کسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.



اسراء، ۶۴	وَرَجِلِكَ	وَرَجِلِكَ	و پیادگان ترا
اسراء، ۷۶ <sup>۲</sup>	لَا يَلْبُثُونَ خِلَافَكَ	لَا يَلْبُثُونَ خَلْفَكَ	درنگ نکردندی از پس تو
اسراء، ۹۰ <sup>۳</sup>	حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعاً	حَتَّى تُفَجِّرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعاً	تا روان کنی از بهر ما از زمین چشمه
کهف، ۹۴ <sup>۴</sup>	فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجاً	فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرَجاً	هیچ کنیم مر ترا جُعلی
مریم، ۲۴ <sup>۵</sup>	فَتَادَاها مِنْ تَحْتِهَا	فَتَادَاها مَنْ تَحْتِهَا	آواز داد مریم را آن کس که زیر او بود
مریم، ۲۵ <sup>۶</sup>	تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْباً	تَسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْباً	تا فرو افتد بر تو خرمای تر
مریم، ۶۷ <sup>۷</sup>	أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانَ	أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانَ	آیا در نه اندیشد این مردم
مریم، ۹۰ <sup>۸</sup>	تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطِرْنَ مِنْهُ	تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطِرْنَ مِنْهُ	خواهدی آسمانها که بشکافدی از آن سخن

۱. در متن نسخه، وَرَجِلِكَ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعبه) به سکون جیم آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی مشهود نیست. در واقع قرائت وَرَجِلِكَ از منفردات حفص از عاصم است. متن نسخه بعدها از سوی مصححی دیگر، با قلمی متفاوت به قرائت وَرَجِلِكَ اعراب گذاری شده است.

۲. در متن نسخه، خَلْفَكَ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و عاصم به روایت شُعبه) آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست.

۳. در متن نسخه، تُفَجِّرَ (مطابق قرائتِ غیرکوفیان: نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و ابن عامر) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۴. در متن نسخه، خَرَجاً (مطابق قرائتِ حمزه و کِسائی) آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست.

۵. در متن نسخه، مَنْ تَحْتِهَا (مطابق قرائتِ ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و عاصم به روایت شُعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۶. در متن نسخه، تَسَاقِطُ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و کِسائی) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۷. در متن نسخه، يَذْكُرُ (مطابق قرائتِ ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، و کِسائی) از باب ثلاثی مزید (تَفْعُلُ) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۸. در متن نسخه، يَنْفَطِرْنَ (مطابق قرائتِ ابوعمر، ابن عامر، حمزه، و عاصم به روایت شُعبه) از باب انفعال آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست. نمونه دیگر عیناً در شوری، ۵ آمده است.

طه، ۳۱	أَشْدُّ بِهِ أَرْزِي	تا من استوار دارم بوی پشت من
طه، ۶۹ <sup>۲</sup>	تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا	تا فرُو برد آنچه ساخته‌اند
طه، ۶۹ <sup>۳</sup>	إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ	آنچه ساخته‌اند که آنچه ساخته‌اند سگالش جادوی است
انبیاء، ۴۴	قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ	بگویی: خدای من داند گفتار
انبیاء، ۷۵	إِلَّا رِجَالًا نُوحِيَ إِلَيْهِمْ	مگر مردانی را که وحی می‌کردند بدیشان
انبیاء، ۱۱۲ <sup>۶</sup>	قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ	بگویی: ای خدای من! بکن داوری بحق
حج، ۶۲ <sup>۷</sup>	وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ	و آنچه می‌خوانید از فرود او

۱. در متن نسخه، أَشْدُّ (مطابق قرائت ابن‌عامر) به صیغه مضارع و متکلم وحده آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۲. در متن نسخه، تَلَقَّفَ (مطابق قرائت نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، حمزه، کسائی و عاصم به روایت شعبه) به صیغه ثلاثی مزید آمده است، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست. از میان قراء سبعة، تنها عاصم — بنا به روایت حفص — تَلَقَّفَ (به صیغه ثلاثی مجرد) خوانده است. نیز بنگرید به: اعراف، ۱۱۷/ شعراء، ۴۵.
۳. در متن نسخه، كَيْدُ سَاحِرٍ (مطابق قرائت حمزه و کسائی) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۴. در متن نسخه، قُلْ (مطابق قرائت نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، ابن‌عامر، و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. نمونه‌های دیگر: انبیاء، ۱۱۲/ زخرف، ۲۴.
۵. در متن نسخه، يُوحَى (مطابق قرائت نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، ابن‌عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مجهول و غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. نمونه دیگر: یوسف، ۱۰۹.
۶. در متن نسخه، قُلْ (مطابق قرائت نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، ابن‌عامر، حمزه، کسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه امر حاضر آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. نمونه‌های دیگر: انبیاء، ۴/ زخرف، ۲۴. در واقع قرائت قَالَ در این آیه از منفردات حفص از عاصم است.
۷. در متن نسخه، تَدْعُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن‌کثیر، ابن‌عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

حج، ۷۶ <sup>۱</sup>	وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ	وَإِلَى اللَّهِ تَرْجَعُ الْأُمُورُ	و با خدای بازگردد کارها
مومنون، ۹ <sup>۲</sup>	عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ	عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ	بر نمازشان نگهبانی کنند
مومنون، ۲۷ <sup>۳</sup>	فَاسْأَلُكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ	فَاسْأَلُكَ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ	درآر در آن کشتی از هر دوگونه دو
مومنون، ۸۷ <sup>۴</sup>	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ	زودا که گویند: خدا است
مومنون، ۸۹	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ	زودا که گویند: خدای
فرقان، ۱۷ <sup>۵</sup>	وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمُ	وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمُ	و آن روز که بینگیزیم ایشانرا
فرقان، ۱۹ <sup>۶</sup>	فَمَا تَسْتَطِيعُونَ	فَمَا تَسْتَطِيعُونَ	نتوانند
فرقان، ۶۰ <sup>۷</sup>	أَسْجُدْ لِمَا تَأْمُرُنَا	أَسْجُدْ لِمَا يَأْمُرُنَا	آیا سجود کنیم آنرا که می فرماید ما را

۱. در متن نسخه، تَرْجَعُ (مطابق قرائت ابن عامر، حمزه و کِسائی) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۲. در متن نسخه، صَلَوَاتِهِمْ (مطابق قرائت حمزه و کِسائی) به صیغه مفرد آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. عاصم (در هر دو روایت حَفْص و شُعْبَه) در اینجا صَلَوَاتِهِمْ به صیغه جمع قرائت کرده، اما در دو موضع دیگر، این کلمه را به صورت مفرد خوانده است: انعام، ۹۲ / معارج، ۳۴.

۳. در متن نسخه، مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعْبَه) بدون تئوین و به صورت مضاف آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ از منفردات حفص از عاصم است.

۴. در متن نسخه، در این آیه و آیه ۸۹، سَيَقُولُونَ اللَّهُ (مطابق قرائت ابوعمر) به اثبات الف آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. فراء (معانی القرآن، ذیل آیه) این قرائت را به ابن مسعود نیز نسبت می دهد.

۵. در متن نسخه، نَحْشِرُهُمْ (مطابق قرائت نافع، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعْبَه) به صیغه متکلم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۶. در متن نسخه، يَسْتَطِيعُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعْبَه) به صیغه غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت تَسْتَطِيعُونَ از منفردات حفص از عاصم است.

۷. در متن نسخه، ظاهراً يَأْمُرُنَا (مطابق قرائت حمزه و کِسائی) به صیغه غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. متن نسخه ظاهراً بعدها از سوی مصححی به تَأْمُرُنَا تغییر یافته است.

شعراء، ۴۵'	فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ	همی آن می فرود آورد آنچه فرابافته بودند
شعراء، ۱۹۵'	نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ	فرود فرستاد و فرود آورد آنرا جبریل زنهاردار
نمل، ۲۵'	مَا يُخْفُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ	آنچه می پنهانند، و آنچه آشکارا می کنند
نمل، ۴۹'	لَتُبَيِّنَنَّ لَهُمْ أَهْلَهُ ثُمَّ لَتَقُولَنَّ لَوْلِيَّهِ	شبیخون کنید بر او و خاندان او، پس گوئید مر اهل او را
نمل، ۵۹'	اللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ	آیا خدای به یا آنچه می انباز آرید؟
نمل، ۸۸'	إِنَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ	اوست آگاه بدانچه همی کند
قصص، ۳۴۷'	فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي	بفرست او را با من یاری، تا تصدیق کند مرا

۱. در متن نسخه، تَلْقَفُ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کسائی و عاصم به روایت شعبه) به صیغه ثلاثی مزید آمده است، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست. از میان قراء سبعه، تنها عاصم - بنا به روایت حفص - تَلْقَفُ (به صیغه ثلاثی مجرد) خوانده است. نیز بنگرید به: اعراف، ۱۱۷/ طه، ۶۹.

۲. در متن نسخه، نَزَلَ (مطابق قرائت ابن عامر، حمزه، کسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه ثلاثی مزید آمده، و ترجمه فارسی نیز با ظاهراً همین قرائت مطابق است.

۳. در متن نسخه، مَا يُخْفُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۴. در متن نسخه، لَتَقُولَنَّ (مطابق قرائت حمزه و کسائی) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. متن نسخه بعدها از سوی مصححی به لَتَقُولَنَّ تغییر یافته است، اما ترجمه مطابق با همان صیغه مخاطب است.

۵. در متن نسخه، تُشْرِكُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابن عامر، حمزه و کسائی) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۶. در متن نسخه، يُفْعَلُونَ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، و ابن عامر به روایت هشام) به صیغه غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۷. در متن نسخه، يُصَدِّقُنِي (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و کسائی) به جزم فعل مضارع آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

قصص، ۳۹ <sup>۱</sup>	أَتَّهْمُ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ	آئْتَهُمْ إِلَيْنَا لَا يَرْجِعُونَ	کایشان با ما نخواهند گشت
قصص، ۴۸ <sup>۲</sup>	سِحْرَانِ تَطَاهَرَا	سَاحِرَانِ تَطَاهَرَا	دو جادوواند که هم بُشت شدند
عنکبوت، ۲۸ <sup>۳</sup>	إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ	أَبَيْتَكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ	آیا شمااید که می آئید بزشت کاری؟
عنکبوت، ۴۲ <sup>۴</sup>	إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ	إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ	خدای داند آنچه می خوانید از فرود او
روم، ۲۲ <sup>۵</sup>	إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ	إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ	بدرستی در آست نشانهایی مَر جهانیانرا
احزاب، ۳۳ <sup>۶</sup>	وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ	وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ	و با آرام باشید در خانه های شما
احزاب، ۴۰ <sup>۷</sup>	وَحَاتِمَ النَّبِيِّينَ	وَحَاتِمَ النَّبِيِّينَ	و مُهر پیغمبران
سبأ، ۱۷ <sup>۸</sup>	وَهَلْ يُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ	وَهَلْ يُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ	و هیچ پاداش دهند چنان مگر ناسپاس زا؟

۱. در متن نسخه، يَرْجَعُونَ (مطابق قرائت نافع، حمزه، و کِسائی) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۲. در متن نسخه، سَاحِرَانِ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و ابن عامر) به صیغه اسم فاعل آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۳. در متن نسخه، أَبَيْتَكُمْ (مطابق قرائت ابوعمر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) همراه با همزه استفهام آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۴. در متن نسخه، تَدْعُونَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) همراه با همزه استفهام آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۵. در متن نسخه، لِلْعَالَمِينَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به فتح لام آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت لِلْعَالَمِينَ از منفردات حفص از عاصم است.
۶. در متن نسخه، وَقَرْنَ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، و کِسائی) به کسر قاف آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۷. در متن نسخه، وَحَاتِمَ النَّبِيِّينَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، و کِسائی) به کسر تاء آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۸. در متن نسخه، يُجَازِي (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه غایب و مجهول آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

سبأ، ۴۰ <sup>۱</sup>	وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ	وَيَوْمَ نُحْشِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ	و آن روز که برانگیزانیم ایشانرا همه، پس گوئیم
فاطر، ۴۲	وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ	وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ	از کجا می بگردانند شما را؟
فاطر، ۴۰ <sup>۲</sup>	فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَاتٍ مِنْهُ	فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَاتٍ مِنْهُ	تا ایشان باشند بر هویدائیهائی از آن
یس، ۶۲ <sup>۴</sup>	وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا	وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا	و بدرستی گم کرد از شما خلقی بسیار را
یس، ۶۸ <sup>۵</sup>	وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ	وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ	هر کرا عمر دراز دهیم، برگردانیم ویرا در آفرینش
صافات، ۶ <sup>۶</sup>	إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ	إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ	ما بیاراستیم آسمان نزدیکترین را بارایش ستارگان
صافات، ۱۳۰ <sup>۷</sup>	سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ	سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ	آفرین باد بر آل یاسین

۱. در متن نسخه، نَحْشُرُهُمْ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شُعبه) به صیغه متکلم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائتِ يَحْشُرُهُمْ از منفردات حفص از عاصم است.
۲. در متن نسخه، تُرْجَعُ (مطابق قرائتِ ابن عامر، حمزه و کِسائی) به صیغه فعل معلوم و لازم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۳. در متن نسخه، بَيِّنَاتٍ (مطابق قرائتِ نافع، ابن عامر، کِسائی، و عاصم به روایت شُعبه) به صیغه جمع آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۴. در متن نسخه، جِبِلًّا (مطابق قرائتِ ابن کثیر، حمزه، کِسائی) آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی ظاهراً آشکار نیست.
۵. در متن نسخه، نُنَكِّسْهُ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و کِسائی) به صیغه ثلاثی مجرد آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی ظاهراً آشکار نیست.
۶. در متن نسخه، بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، و کِسائی) بدون تنوین و با اضافه زینة به الكواكب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۷. در متن نسخه، آلِ يَاسِينَ (مطابق قرائتِ نافع و ابن عامر) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

غافر، ۲۶۱	أَوْ أَنْ يُظْهَرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادُ	یا پدید آید در زمین تباهی
غافر، ۳۵۲	عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ	بر هر دلی کبرآرنده ستیزه کننده
فصلت، ۴۷۳	وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَةٍ	و بیرون نیاید هیچ میوه‌ئی
شوری، ۵۴	تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَنْفَطِرْنَ	خواهدی آسمانها که بشکافدی
زخرف، ۲۴۵	قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَى قُلْ أَوْلَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَى	بگوی: آیا و گرچه آوردم بشما دینی صواب‌تر
زخرف، ۳۵۵	وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا	و نیست این همه آن بر خورداری زندگانی نخستین
زخرف، ۵۳۷	أَسْوَرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ	دستورجنهائی از زر
زخرف، ۷۱۸	وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ	و در آنجا بود آنچه آرزو کند تنها

۱. در متن نسخه، أَنْ يُظْهَرَ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، عاصم به روایت شعبه) فعل لازم و ثلاثی مجرد آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۲. در متن نسخه، قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ (مطابق قرائت ابوعمر، ابن عامر به روایت ابن ذکوان) بدون اضافه و به صورت وصفی آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۳. در متن نسخه، ثَمَرَةٍ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مفرد آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۴. در متن نسخه، يَنْفَطِرْنَ (مطابق قرائت ابوعمر و عاصم به روایت شعبه) از باب انفعال آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست. نمونه دیگر عینا در مریم، ۹۰ آمده است.
۵. در متن نسخه، قُلْ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. نمونه‌های دیگر: انبیاء، ۴ و ۱۱۲.
۶. در متن نسخه، لَمَّا (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر به روایت ابن ذکوان، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) بدون تشدید آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.
۷. در متن نسخه، أَسْوَرَةٌ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه جمع آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است. در واقع قرائت أَسْوَرَةٌ از منفردات حفص از عاصم است.
۸. در متن نسخه، مَا تَشْتَهِيهِ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به

جائیه، ۶۱	فَيَأْتِي حَدِيثَ بَعْدَ اللَّهِ وَأَيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ	فَيَأْتِي حَدِيثَ بَعْدَ اللَّهِ وَأَيَاتِهِ تُؤْمِنُونَ	بکدام سخن پس از خدای و آیت‌های او بخواید گروید؟
جائیه، ۱۴۲	لِيَجْزِيَ قَوْمًا	لِيَجْزِيَ قَوْمًا	تا پاداش دهیم گروهی را
احقاف، ۱۲۳	لِيُنذِرَ	لِيُنذِرَ	تا بیم کنی
احقاف، ۱۵۴	وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا	وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا	و بفرمودیم مردم را بجای مادر و پدر وی نیکوی کردن
حجرات، ۶۵	فَتَّبِعْتُمُوهَا	فَتَّبِعْتُمُوهَا	فرو ایستید
حجرات، ۱۸۶	بِمَا تَعْمَلُونَ	بِمَا يَعْمَلُونَ	بدانچه می‌کنند
طور، ۴۵ <sup>۷</sup>	فِيهِ يُصْعَقُونَ	فِيهِ يَصْعَقُونَ	در آن هلاک شوند
مجادله، ۱۱۸	فِي الْمَجَالِسِ	فِي الْمَجَالِسِ	در نشستن جای

حذف هاء ضمیر آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۱. در متن نسخه، تُؤْمِنُونَ (مطابق قرائت ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۲. در متن نسخه، لِيَجْزِيَ (مطابق قرائت ابوعمر، حمزه، و کِسائی) به صیغه متکلم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۳. در متن نسخه، لِيُنذِرَ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر به روایت بَزِي، و ابن عامر) به صیغه مخاطب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۴. در متن نسخه، حُسْنًا (مطابق قرائت غیرکوفیان: نافع، ابن کثیر، ابوعمر، و ابن عامر) آمده، اما تفاوت این دو قرائت در ترجمه فارسی آشکار نیست.

۵. در متن نسخه، فَتَّبِعْتُمُوهَا (مطابق قرائت حمزه و کِسائی) آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۶. در متن نسخه، بِمَا يَعْمَلُونَ (مطابق قرائت ابن کثیر) به صیغه غایب آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۷. در متن نسخه، يَصْعَقُونَ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر، نافع، حمزه و کِسائی) به صیغه معلوم آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۸. در متن نسخه، الْمَجَالِسِ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر، حمزه و کِسائی) به صیغه مفرد آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.



صف، ۶۹	قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ	قَالُوا هَذَا سَاحِرٌ مُّبِينٌ	گفتند اینست جادوی هویداکننده
تحریم، ۱۲۱	وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَهِ	وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكِتَابِهِ	و باور داشت سخنان خدای خود را، و نامه ویرا،
معارج، ۴۳۱	إِلَىٰ نُصْبٍ يُوفُضُونَ	إِلَىٰ نُصْبٍ يُوفُضُونَ	سوی واپای کرده‌ئی می‌شتاوند
تکویر، ۲۴۱۲	وَمَا هُوَ عَلَىٰ الْغَيْبِ بِضَنِينٍ	وَمَا هُوَ عَلَىٰ الْغَيْبِ بِظَنِينٍ	و نیست او بر ناپیدا تُهَمَّت زده



سر سوره آغازین سوره مریم در قرآن زعفرانی، نسخه موزه رضا عباسی

در کنار موارد بالا، در قرآن زعفرانی گاه به مواردی برمی‌خوریم که در آنها، متن قرآن به قرائتی نوشته شده، اما ترجمه فارسی مطابق با قرائتی دیگر انجام گرفته است. چنین پدیده‌ای در اغلب نسخه‌های مترجم فارسی از قرآن کریم طی قرون پنجم تا هشتم یافت می‌شود. نمونه‌های زیر، مواردی‌اند که در قرآن زعفرانی، نسخه موزه رضا عباسی یافته‌ایم.

۹. در متن نسخه، سَاحِرٌ (مطابق قرائت حمزه و کِسائی) به صیغه اسم فاعل آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۱۰. در متن نسخه، وَكِتَابِهِ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابن عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مفرد آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۱۱. در متن نسخه، نُصْبٍ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابو عمرو، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مفرد آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

۱۲. در متن نسخه، بِظَنِينٍ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابو عمرو، و کِسائی) با ظاء آمده، و ترجمه فارسی نیز با همین قرائت مطابق است.

آدرس آیه	قرائت حفص از عاصم	قرائت موجود در نسخه	ترجمه فارسی نسخه
آل عمران، ۵۷ <sup>۱</sup>	فَيُؤْفِقِهِمْ أَجْوَرَهُمْ	فَنُؤْفِقِيهِمْ أَجْوَرَهُمْ	تمام بدهد ایشانرا مزدهای ایشان
نساء، ۷۷ <sup>۲</sup>	وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلاً	وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلاً	و ستم نکنند بریشان بتافته‌ای
انعام، ۵۷ <sup>۳</sup>	إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُضِ الْحَقُّ	إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُضِ الْحَقُّ	نیست فرمان مگر خدایرا؛ برگزارد سزا را
انعام، ۹۶ <sup>۴</sup>	وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا	وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا	و کندۀ شب آرام‌گاهی
اعراف، ۵۷ <sup>۵</sup>	يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	بفرستد بادها را پراکنده در پیش رحمت او
توبه، ۶۶ <sup>۶</sup>	إِنْ نَعَفْ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً	إِنْ نَعَفْ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً	گر فرو گذارند از گروهی از شما، عذاب کند گروهی را

۱. در متن نسخه، ظاهراً فَنُؤْفِقِيهِمْ (مطابق قرائتِ نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، ابن‌عامر، حمزه، کِسائی، و عاصم به روایت شعبه) آمده، اما ترجمه فارسی با قرائت حفص از عاصم مطابق است. در واقع قرائت فَيُؤْفِقِهِمْ از منفردات حفص از عاصم است. متن نسخه بعدها از سوی مصححی دیگر، با قلم قرمز رنگ به قرائت فَيُؤْفِقِيهِمْ نیز اعراب گذاری شده است.

۲. در متن نسخه، وَلَا تُظْلَمُونَ (مطابق قرائتِ نافع، ابوعمر، ابن‌عامر، و عاصم) به صیغه مخاطب کتابت شده، اما ترجمه فارسی با قرائت وَلَا يُظْلَمُونَ به صیغه غایب (ابن‌کثیر، حمزه و کِسائی) مطابق است.

۳. در متن نسخه، يَقُضِ الْحَقُّ (مطابق قرائتِ نافع، ابن‌کثیر، و عاصم) کتابت شده، اما ترجمه فارسی با قرائت يَقُضِ الْحَقُّ (ابوعمر، ابن‌عامر، حمزه و کِسائی) مطابق است. این قرائت به امام علی علیه السلام و ابن‌مسعود نیز منسوب است.

۴. در متن نسخه، وَجَعَلَ (مطابق قرائتِ کوفیان: حمزه، کِسائی و عاصم) به صیغه فعل ماضی کتابت شده، اما ترجمه فارسی با قرائت وَجَعِلْ (قُراء غیر کوفه: نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، ابن‌عامر) به صیغه اسم فاعل مطابق است.

۵. در متن نسخه، بُشْرًا (مطابق قرائتِ عاصم) به معنای مژده‌دهنده کتابت شده، اما ترجمه فارسی با یکی از سه قرائت دیگری یعنی نُشْرًا (نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، و یا نُشْرًا (قرائت ابن‌عامر) و یا نَشْرًا (قرائت حمزه و کِسائی) به معنای پراکنده کننده مطابق است. این اتفاق عیناً در دو موضع دیگر نیز رخ داده است. نک.: فرقان، ۴۸/نمل، ۶۳.

۶. در متن نسخه، نَعَفُ (مطابق قرائتِ عاصم) به صیغه متکلم و معلوم کتابت شده، اما ترجمه فارسی با قرائت يُعْفَ (قرائتِ نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، ابن‌عامر، حمزه، و کِسائی) به صیغه غایب و مجهول مطابق است.

یوسف، ۱۱۰ <sup>۱</sup>	وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا	وَوَظَّنُوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا	یوسف، ۱۱۰ <sup>۱</sup>
اسراء، ۳۳ <sup>۲</sup>	فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ	فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ	اسراء، ۳۳ <sup>۲</sup>
کهف، ۵۲ <sup>۳</sup>	وَيَوْمَ يَقُولُ	وَيَوْمَ يَقُولُ	کهف، ۵۲ <sup>۳</sup>
انبیاء، ۱۰۴ <sup>۴</sup>	كَطَبِيَ السَّجِلَ لِلْكِتَابِ	كَطَبِيَ السَّجِلَ لِلْكِتَابِ	انبیاء، ۱۰۴ <sup>۴</sup>
فرقان، ۴۸ <sup>۵</sup>	أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	فرقان، ۴۸ <sup>۵</sup>
نمل، ۶۳ <sup>۶</sup>	وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ	نمل، ۶۳ <sup>۶</sup>

۱. در متن نسخه، قَدْ كُذِّبُوا (مطابق قرائت حمزه، کسائی، و عاصم) کتابت شده، اما ترجمه فارسی با قرائت قَدْ كُذِّبُوا (قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، و ابن عامر) مطابق است.

۲. با آنکه ظاهراً در متن نسخه، فَلَا يُسْرِفُ (مطابق قرائت عاصم) به صیغه غائب آمده است، ترجمه فارسی بر اساس فَلَا تُسْرِفُ (مطابق با قرائت ابن عامر، حمزه و کسائی) به صیغه مخاطب نوشته شده است.

۳. با آنکه ظاهراً در متن نسخه، يَقُولُ (مطابق قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، و ابن عامر، کسائی و عاصم) به صیغه غائب آمده است، ترجمه فارسی بر اساس نَقُولُ (مطابق با قرائت حمزه و اعمش) به صیغه متکلم نوشته شده است.

۴. با آنکه در متن نسخه، لِلْكِتَابِ (مطابق قرائت حمزه، کسائی و عاصم به روایت حفص) به صیغه جمع آمده، ترجمه فارسی ظاهراً بر اساس لِلْكِتَابِ (مطابق با قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمرو، ابن عامر، و عاصم به روایت شعبه) به صیغه مفرد نوشته شده است.

۵. در متن نسخه، بُشْرًا (مطابق قرائت عاصم) به معنای مژده‌دهنده کتابت شده، اما ترجمه فارسی با یکی از سه قرائت دیگر یعنی نُشْرًا (نافع، ابن کثیر، ابوعمرو)، یا نُشْرًا (قرائت ابن عامر) و یا نَشْرًا (قرائت حمزه و کسائی) به معنای پراکنده کننده مطابق است. این اتفاق عیناً در دو موضع دیگر نیز رخ داده است. نک.: اعراف، ۵۷/نمل، ۶۳.

۶. در متن نسخه، بُشْرًا (مطابق قرائت عاصم) به معنای مژده‌دهنده کتابت شده، اما ترجمه فارسی با یکی از سه قرائت دیگر یعنی نُشْرًا (نافع، ابن کثیر، ابوعمرو)، یا نُشْرًا (قرائت ابن عامر) و یا نَشْرًا (قرائت حمزه و کسائی) به معنای پراکنده کننده مطابق است. این اتفاق عیناً در دو موضع دیگر نیز رخ داده است. نک.: اعراف، ۵۷/فرقان، ۴۸.

یس، ۳۳ <sup>۱</sup>	فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ	از آن می خورید
احقاف، ۱۶ <sup>۲</sup>	نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ	فراپذیریم زیشان
فتح، ۱۰ <sup>۳</sup>	فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا	زودا که بدهد او را مزدی بزرگ
نوح، ۱۵ <sup>۴</sup>	أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ	آیا نگه نکردند که چون بیافرید خدای
قیامت، ۲۰-۲۱ <sup>۵</sup>	تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ * وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ	شما می دوست دارید این دُنیا فادست آینده را * و می بگذارید آن جهانرا

۱. در متن نسخه، يَأْكُلُونَ (مطابق قرائتِ تمامی قراء سبعة و عشره) به صیغه غایب آمده، اما ترجمه فارسی بر اساس تَأْكُلُونَ به صیغه مخاطب آمده که ناشی از اشتباه مترجم یا کاتب است، چراکه «تَأْكُلُونَ» در این آیه قرائت شناخته شده‌ای نیست.

۲. در متن نسخه، يُتَقَبَّلُ وَ يُتَجَاوَزُ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، ابوعمر، ابن عامر و عاصم به روایت شعبه) به صیغه غایب و مجهول آمده، اما ترجمه فارسی نیز بر اساس نَتَقَبَّلُ وَ نَتَجَاوَزُ (مطابق با قرائت حمزه، کسائی، و عاصم به روایت حفص) به صیغه متکلم و معلوم انجام گرفته است.

۳. در متن نسخه، فَسَيُؤْتِيهِ (مطابق قرائتِ نافع، ابن کثیر، و ابن عامر) به صیغه متکلم آمده، اما ترجمه فارسی نیز بر اساس فَسَيُؤْتِيهِ (مطابق با قرائت ابوعمر، حمزه، کسائی، و عاصم) به صیغه غایب انجام گرفته است.

۴. در متن نسخه، أَلَمْ تَرَوْا (مطابق قرائتِ تمامی قراء سبعة و عشره) به صیغه مخاطب کتابت شده، اما ترجمه فارسی بر اساس أَلَمْ يَرَوْا به صیغه غایب آمده که ناشی از اشتباه مترجم یا کاتب است، چراکه «أَلَمْ يَرَوْا» در این آیه جزو قرائات دهگانه شناخته شده نیست. نسخه آنکارا (گ ۳۱۳ب) از این جهت صحیح است: «آیا نگه نکردید.»

۵. با آنکه در متن نسخه، يُحِبُّونَ وَ يَذَرُونَ (مطابق قرائت ابن کثیر، ابوعمر و ابن عامر) به صیغه غائب کتابت شده است، ترجمه فارسی بر اساس تُحِبُّونَ وَ تَذَرُونَ (مطابق با قرائت نافع، حمزه، کسائی و عاصم) به صیغه مخاطب نوشته شده است.

## فهرست منابع:

۱. قرآن زعفرانی، نسخه موزه رضا عباسی، ش ۵۵۱ موجود در تهران، موزه رضا عباسی، کتابت ربیع الآخر ۵۴۶ هجری قمری.
۲. قرآن زعفرانی، نسخه سازمان دیانت ترکیه، ش ۱۲۴۸ موجود در آنکارا، کتابخانه سازمان دیانت، کتابت جمادی الاولى ۵۴۸ هجری قمری.
۳. آیین رونمایی و معرفی نسخه «قرآن زعفرانی»، با ترجمه کهن پارسی، بروشور ارائه شده در مراسم رونمایی در موزه رضا عباسی، پژوهشگران: آذرتاش آذرنوش، علی اشرف صادقی، مرتضی کریمی نیا، و علیرضا هاشمی نژاد، تهران: موزه رضا عباسی، ۲۵ آذر ۱۳۹۷.
۴. ابریشمی، محمد حسن. زعفران از دیرباز تا امروز، دایره المعارف تولید، تجارت و مصرف، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۵. ابن الشعار الموصلی، کمال الدین ابوالبرکات المبارک بن اُبی بکر بن حمدان، قلائد الجمان في فرائد شعراء هذا الزمان المشهور بعقود الجمان في شعر هذا الزمان، تحقیق کامل سلمان الجبوری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق/ ۲۰۰۵م.
۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد. کامل الزیارات، تصحیح غلامرضا عرفانیان الیزدی، نجف: المطبعة المباركة المرتضوية، بی تا.
۷. البغدادی التمیمی الأسفراینی، أبو منصور عبدالقاهر بن طاهر. الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية، بیروت: دار الآفاق الجديدة، ۷۷۹۱.
۸. پلی میان شعر هجائی و عروضی فارسی در قرون اول هجری: ترجمه ای آهنگین از دو جزو قرآن مجید، به اهتمام احمد علی رجایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.
۹. ترجمه تفسیر طبری، فراهم آمده در زمان سلطنت منصور بن نوح سامانی ۳۵۰ تا ۳۶۵ هجری، بتصحیح و اهتمام حبیب یغمائی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.
۱۰. تفسیر سورآبادی «تفسیر التفاسیر»، تألیف ابوبکر عتیق بن محمد نیشابوری، مشهور به سورآبادی، تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگی نشر نو، ۱۳۸۱.
۱۱. الخطیب، عبداللطیف، معجم القرائات، دمشق: دار سعدالدين للطباعة و النشر، ۱۴۲۲ق.
۱۲. رافعی قزوینی، ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم. التدوین فی أخبار قزوین، تحقیق عزیز الله العطاردی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق/

۱۹۸۷ م.

۱۳. رودگر، قنبرعلی. «ری: پوشش‌های مذهبی، علمی و فرهنگی» در دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۲۰، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۴ ص ۱۱-۱۶.

۱۴. السمعانی، عبد الکریم بن محمد بن منصور. الانساب، تحقیق عبد الرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی وغیره، حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م.

۱۵. الشهرستانی، أبو الفتح محمد بن عبد الکریم بن أبی بکر أحمد، الملل والنحل، تحقیق محمد سیدکیلانی، قاهره: مؤسسة الحلبي وشركاه، ۵۹۳۱ ق/ ۵۷۹۱ م.

۱۶. عبد الجلیل قزوینی رازی. نقض، معروف به بعض مطالب النواصب، تصحیح میرجلال الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.

۱۷. فرهنگ‌نامه قرآنی، فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، تهیه و تنظیم شده توسط گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، زیر نظر محمد جعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۵ جلد، ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶.

۱۸. گزاره‌ای از بخشی از قرآن کریم: تفسیر شنقشی، به اهتمام و تصحیح محمد جعفر یاحقی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.

۱۹. لغت نامه دهخدا، تألیف علی اکبر دهخدا، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷. نسخه آنلاین.

۲۰. ماهیار نوابی، یحیی. مقاله «لُکِنَّ»، در مجموعه مقالات، به کوشش محمود طاووسی، انتشارات مؤسسه آسیایی دانشگاه پهلوی شیراز، ۲۵۳۵، ص ۳۴۵-۳۵۰.

۲۱. متینی، جلال. «رسم الخط فارسی در قرن پنجم هجری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۱۰ و ۱۱، تابستان و پاییز ۱۳۴۴، ص ۱۵۹-۲۰۶.

۲۲. المقدسی، محمد بن احمد. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، تصحیح دخویه، لایدن: انتشارات بریل، ۱۹۰۹.